



صحیفه عاشورا (۲)

مجموعه سروده‌های شاعران و مرثیه سرایان
برای اقامه عزاداری در دهه اول محرم الحرام ۱۴۰۴ هجری شمسی

دفتر شعر آستان مقدس امامزاده اسماعیل (ع) (زرگنده)

فہرست مطالب ۲

۱۳

اشعار کلاسیک

- | | | | | | |
|----|-------|------------------------|----|-------|-------------------------|
| ۵۳ | | مخمس شب ہشتم | ۱۴ | | غزل مناسب تمام دہہ محرم |
| ۵۵ | | غزل شب ہشتم | ۱۵ | | غزل مناسب تمام دہہ محرم |
| ۵۶ | | مثنوی شب تاسوعا | ۱۶ | | غزل مناسب تمام دہہ محرم |
| ۵۹ | | غزل شب تاسوعا | ۱۷ | | غزل مناسب تمام دہہ محرم |
| ۶۰ | | غزل شب تاسوعا | ۱۸ | | غزل مناسب تمام دہہ محرم |
| ۶۱ | | دوبیتی شب تاسوعا | ۱۹ | | غزل مناسب تمام دہہ محرم |
| ۶۲ | | غزال روز عاشورا | ۲۰ | | غزل مناسب تمام دہہ محرم |
| ۶۴ | | غزل روز عاشورا | ۲۱ | | غزل حضرت حر ؑ |
| ۶۵ | | غزل روز عاشورا | ۲۲ | | غزل حضرت مسلم ؑ |
| ۶۶ | | غزل روز عاشورا | ۲۳ | | غزل حضرت مسلم ؑ |
| ۶۷ | | غزل روز عاشورا | ۲۵ | | مسمط شب اول |
| ۶۸ | | مثنوی شب یازدہم | ۲۸ | | چہارپارہ شب اول |
| ۷۲ | | غزل شب یازدہم | ۳۰ | | ترکیب بند شب دوم |
| ۷۳ | | غزل شب یازدہم | ۳۳ | | چہارپارہ شب سوم |
| ۷۴ | | غزل مصائب کوفہ و شام | ۳۶ | | چہارپارہ شب سوم |
| ۷۶ | | چہارپارہ امام سجاد ؑ | ۳۸ | | غزل شب چہارم |
| ۷۸ | | مثنوی امام سجاد ؑ | ۴۰ | | ترانہ شب چہارم |
| ۸۰ | | غزل حضرت ام البنین ؑ | ۴۳ | | چہارپارہ شب پنجم |
| ۸۱ | | رباعی حضرت ام البنین ؑ | ۴۶ | | مربع ترکیب شب ششم |
| ۸۲ | | چہارپارہ اربعین | ۴۸ | | چہارپارہ شب ہفتم |
| | | | ۵۰ | | غزال شب ہشتم |

۸۵

تصنیف روضہ (زمزمہ)

- | | | | | | |
|----|-------|-----------------|----|-------|------------------|
| ۸۹ | | زمزمہ شب یازدہم | ۸۶ | | زمزمہ روز عاشورا |
| | | | ۸۷ | | زمزمہ روز عاشورا |

فہرست مطالب ۲

۹۱

نوحہ زمینہ

۱۱۸.....	زمینہ شب ہفتم	۹۲.....	زمینہ - شب اول
۱۲۰.....	زمینہ شب ہفتم	۹۵.....	زمینہ - شب اول
۱۲۲.....	زمینہ شب ہفتم	۹۷.....	زمینہ شب دوم
۱۲۵.....	زمینہ شب ہشتم	۹۹.....	زمینہ شب سوم
۱۲۷.....	زمینہ شب ہشتم	۱۰۱.....	زمینہ شب سوم
۱۳۰.....	زمینہ شب ہشتم	۱۰۳.....	زمینہ شب سوم
۱۳۳.....	زمینہ شب ہشتم	۱۰۶.....	زمینہ شب چہارم
۱۳۵.....	زمینہ شب تاسوعا	۱۰۸.....	زمینہ شب پنجم
۱۳۹.....	زمینہ شب عاشورا	۱۱۰.....	زمینہ شب پنجم
۱۴۱.....	زمینہ روز عاشورا	۱۱۳.....	زمینہ شب ششم
		۱۱۶.....	زمینہ شب ششم

۱۴۳

نوحہ واحد

۱۵۰.....	واحد شب سوم	۱۴۴.....	واحد مناسب تمام دہہ محرم
۱۵۲.....	واحد شب چہارم	۱۴۶.....	واحد شب دوم
۱۵۴.....	واحد شب تاسوعا	۱۴۷.....	واحد شب دوم

۱۵۷

نوحہ شور

۱۶۴.....	شور مناسب تمام دہہ محرم	۱۵۸.....	شور مناسب تمام دہہ محرم
۱۶۶.....	شور مناسب تمام دہہ محرم	۱۶۰.....	شور مناسب تمام دہہ محرم
		۱۶۲.....	شور مناسب تمام دہہ محرم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکر نعمت خدمت در آستان مقدس حضرات آل الله عليهم صلوات الله از عهده‌ی هیچ خادمی بر نمی‌آید. از خداوند متعال و اولیای نعم خویش بر این لطف بی‌نهایت شاکریم. کسانی که در این مجموعه خدمت کرده اند چشم امیدشان به نگاه صاحب این اشک‌ها و این توشلات است. مستدعی دعای شما خوبان هستیم.

اگر طلب کند انعامی از شما حافظ
حوالتش به لب یار دلنواز کنید

■
خادم خادمین آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام
محمد صمیمی

«رحم الله من أحيأ أمرنا»

برنامه ریزی طرح **صحیفه‌ی عاشورا (۳)** با هدف انتشار آثار شعرای هنرمند و خوش نام در عرصه‌ی شعر و نوحه‌ی هیئت، توسط آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام زرگنده تهران با همکاری کانون ادبی حلقه ریان در فروردین ماه ۱۴۰۳ آغاز شد. با توجه به سابقه‌ی درخشان حلقه ادبی ریان در برگزاری رویدادهای مختلف ادبی از قبیل برگزاری هفده دوره‌ی آموزش شعر و نوحه آیینی، برگزاری کنگره‌های شعری با موضوعیت حضرت ولیعصر علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، شهادت حضرت زهرا علیها السلام، ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام، حضرت ام البنین علیها السلام، سوگواری محرم، ولادت حضرت زهرا علیها السلام، شهادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ایفاء شعر حیاتستان، از این مجموعه درخواست گردید تا مسؤولیت اجرای این پروژه‌ی بزرگ را همانند سال گذشته بر عهده بگیرد.

طبق برآوردهای انجام شده و بازخوردهای دریافت شده، مجموعه‌های صحیفه عاشورا (۱ و ۲) و سیراب مورد استقبال بیش از ۵۰۰۰ نفر از مادحین و شعرای آل الله صلی الله علیه و آله و سلم و استفاده ایشان

از آثار این مجموعه در جلسات سراسر کشور قرار گرفت. جهت سهولت استفاده، این اثر در قالب‌های مختلف (فایل، جزوه و کتاب) منتشر گردید.

از ۲۹ فروردین ماه جلسات معرفت افزایی شاعرانه در آستان مقدس شاهزاده اسماعیل علیه السلام به طور رسمی آغاز و طی ۵ جلسه برگزار گردید. با توجه به تجربه‌ی برگزاری محفل انس در حلقه ریان، جلسات به همین شکل و متفاوت‌تر از سال گذشته برگزار شد. این جلسات مشتمل بر ایراد مطالبی درباره‌ی شعر آیینی توسط اساتید ادبیات و شعر فارسی، شعرخوانی محفلی و نقد اشعار، برگزاری تعزیه و بزم روضه بود.

طبق برنامه ریزی‌های انجام شده، دریافت آثار این مجموعه از نوزدهم اردیبهشت ماه لغایت ششم خرداد ماه ۱۴۰۴ (طی ۲۵ روز) طبق فراخوان اعلامی انجام شد که در طی این فرآیند، از بین قریب به ۲۰۰ اثر ارسالی شعرای محترم از نقاط مختلف کشور، ۷۶ اثر منتخب هیئت اجرایی «صحیفه‌ی عاشورا ۳»، در این مجموعه انتشار یافته است.

از زحمات همه‌ی عزیزانی که در تمام این مدت در این پروژه‌ی عظیم به نحوی ما را یاری داده‌اند سپاسگزاریم. ان شاء الله همه‌ی این زحمات مقبول درگاه حضرت حق و حضرات آل الله علیهم السلام قرار بگیرد.



هیئت اجرایی صحیفه‌ی عاشورا/خرداد ۱۴۰۴

شناسنامه اثر

مجموعه‌ی «صحیفه عاشورا ۳» مشتمل بر ۷۶ اثر است که به تفکیک دارای ۴۱ شعر کلاسیک و ۳۵ نوحه می‌باشد. نوحه‌های منتشر شده در این مجموعه متناسب با انواع نوحه‌های مورد استفاده در هیئات مذهبی از جمله ۳ تصنیف روضه (زمزمه)، ۲۱ زمینه، ۶ واحد و ۵ شور است. آثار این مجموعه در ۵ بخش شامل اشعار کلاسیک، تصنیف روضه، نوحه زمینه، نوحه واحد و نوحه شور تقسیم‌بندی شده است. برای تهیه این مجموعه از آثار ۲۴ نفر از شاعران گرانقدر اهل بیت علیهم‌السلام استفاده شده است.

اسامی شعرا:

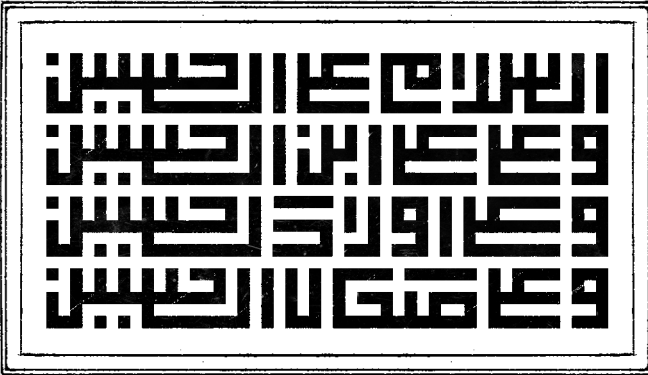
- خانم طیبه بهبودی
- خانم الهام صفالو
- خانم منصوره محمدی مزینان
- خانم فاطمه محمودزاده
- خانم معصومه مهبودی
- آقای مهدی ابراهیمی نژاد
- آقای سیدمسعود احمدی
- آقای سجاد توکلی
- آقای رضا جوان بخت
- آقای ابراهیم جولافیان
- آقای خسرو جولافیان
- آقای حسین حمیدی
- آقای وحید خیری
- آقای وحید دکامین
- آقای سیدمحمد رضوی
- آقای امیرکیاشمشکی
- آقای مهدی صابری
- آقای سیدحسین صمدی
- آقای حمیدرضا عباسی
- آقای مهدی قربانی
- آقای امیررضا قناتی
- آقای مصطفی معنوی
- آقای دانیال مهرانی
- آقای علیرضا میرزایی‌گوهر
- شعرای گروه نوحو علی‌الحسین علیهم‌السلام

راهنمای استفاده از آثار

به منظور سهولت استفاده از تصانیف، تصویر Qr-Code در صفحات مربوطه پیش بینی شده است. با اسکن نمودن تصویر Qr-Code (توسط دوربین تلفن همراه و یا برنامه های بارکدخوان) به راحتی امکان شنیدن نوحه انتخابی میسر خواهد بود.

دریافت فایل صوتی







اشعار کلاسیک



غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ حسین حمیدی

پای درس مکتب تو اهل عرفان هم شدیم
از الفبای جنون خواندیم و بی جان هم شدیم
پیش از این‌ها که نه دردی و نه دینی داشتیم
دل به دست تو سپردیم و مسلمان هم شدیم
لطف دستان تو آدم کرد ما را کم که نیست
بَلْ أَصْلُ بُوَدِیم یک روزی و انسان هم شدیم
سال‌ها با درد بی دردی خود می‌ساختیم
آتش افتاد در ما و پریشان هم شدیم
کم از این دنیا و اهلش روی گردان بوده‌ایم
از غم تو سر به دامن بیابان هم شدیم
قلب‌های سنگ ما را آب کردی با غمت
نرم شد دل، چشمه جوشاندیم و گریان هم شدیم
قصه‌ی پیراهن تو تا همیشه داغ ماست
پا به پای روضه‌ها پاره گریان هم شدیم
روی این دامن آلوده که افتاد اشک ما
آبرو مان را خریدی پاک دامن هم شدیم
خانه‌ات دارالشفای دردمندان شد و
درد آوردیم یک عمری و درمان هم شدیم

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ حسین حمیدی

چه باید کرد؟ از روزی که یادم هست من اینم
تو از روز ازل شاهی و من تا حشر مسکینم
بیفتد از کفم گر حلقه‌ی این در زبانم لال
گمانم باید آن لحظه بیایی بهر تدفینم
تو می‌دانی که نتوانم دل از مهر تو بردارم
تویی ایمان من، رکن رکین دینم، آیینم
کجا گفتم که در وا کن به روی من؟ همین کافیت
همین که می‌گذاری پشت در هر روز بنشینم
پرِ دامان تو تا که دل و دین من عاصی‌ست
ز دستم تا قیامت هم نمی‌افتد دل و دینم
منم تشنه تو بارانی، تو جانان نه، خود جانی
تو سامانی، تو درمانی، تویی هم درد و تسکینم
مرا در آتش عشقت بسوزان و خودت آخر
به تدفینم بیا و خود بخوان آن روز تلقینم

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ حسین حمیدی

ای آن که شورش عشقت خراب کرده مرا
غم مقدّست ای دوست آب کرده مرا
دلم شبی به فغان آمد از شرار غمت:
بس است! آتش این غم کباب کرده مرا
دلم به اشک رضایت نداشت در داغت
که در میانه‌ی روضه خضاب کرده مرا
دعای هر سحرم بودی و خدا را شکر
خدا ز مرحتمش مستجاب کرده مرا
دگر چه خواهیم از این زندگی که محبوبم
میان جمع محبّین حساب کرده مرا
پی هر آن که به جز تو دویدم آخرکار
اسیر حسرت مشتی سراب کرده مرا
تو ای تمام امیدم مرا جواب مکن
مکن که عالم و آدم جواب کرده مرا

غزل مناسب تمام دهه محرم

منصوره محمدی مزینان

تمام هستی‌اش را می‌برد تا مسلخ، ابراهیم
مصمّم از صمیم قلب مانده پای این تصمیم
منا با احترام احرام بسته اقتدا کرده
به عاشق پیشه‌ای در بندگی آزاده و تسلیم
زمین در هر قدم مشغول لبیک است و در تقدیس
زمان در هر نفس لبیک گویان است در تکریم
چه عطری می‌وزد از عید قربان تا مشام جان
از آن جغرافیای دور از تاریخ از تقویم
به قربان ذبیح الله عاشورا همه عالم
که کرده جان هفتاد و دو اسماعیل را تقدیم
که گاهی با علی اکبر و گاهی بر سر نیزه
به ابراهیم و اسماعیل و یحیی می‌دهد تعلیم
چه عطر سیبی از اعماق قربانگاه می‌آید
مرا یک روز خواهد کشت عطر و بوی آن اقلیم
اضافات گل او را خدا با خاک مان آمیخت
که مهرش را میان عالم و آدم کند تقسیم
سلام من بر آن شاهی که غیر از ما فقیران نیز
فرود آورده شاهان سوی درگاهش سر تعظیم

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ مهدی قربانی

تترّّل می‌کند کوهی که اسم تو، به رویش نیست
توقّف می‌کند قلبی که عشقت، های و هویش نیست

تو یک بغض گلوگیری، تو فریاد پس از بغضی
بمیرد بهتر است آنکه نوایت در گلویش نیست

کسی که با تو عمرش را به سر کرده پس از مرگش
به غیر از این که در پیش تو باشد آرزویش نیست

یقیناً هر که بی تربت، نمازش را به جا آورد
کنار کعبه هم باشد حرم در رو به رویش نیست

پس از درمان زخمت کاربرد اشک، تغسیل است
که گفته اشک چشم نوکرت آب وضویش نیست؟

تورا با خون زخمت زنده زنده غسل می‌دادند
ذبیح بی کفن را احتیاج شست و شویش نیست

تو هر زخمت به زخم دیگری درمان شد و اما
جراحت را که زیر دست و پا وقت رفویش نیست

به سختی خواهرت بالای گودال آمد و افتاد
صدایش کردی و دیدی توان گفتگویش نیست

همه دیدند آن لحظه که در گودال، گم بودی
به جز در زیر تیغ و تیر و نیزه جستجویش نیست

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ مهدی قربانی

ققنوس عشق! بال و پرت را تکان بده
این گرد و خاک دور و برت را تکان بده
آرامش تمام جهان، زیر موج توست
دریای اشک، پلک ترت را تکان بده
با یک اشاره، سر به هوایت گذاشتیم
آقای سر بریده! سرت را تکان بده
بعد از وفات، موقع تلقین من که شد
تو شانه‌ی غلام درت را تکان بده
اما به حال و روز پریشان خواهرت
کمتر به روی نیزه سرت را تکان بده

غزل مناسب تمام دهه محرم

طیبه بهبودی ◀

روضه می گیرند در عرش خدا با پیره
هر محرم در غم کرب و بلا با پیره
قبل خلقت با همه تدبیر وقتی آفرید
شرح داده روضه گودال را با پیره
چون مسیر عشق را با اشک باید طی کنند
قصه ها دارند جمع انبیا با پیره
تا که آدم بر تنش پوشید آرامش گرفت
توبه اش مقبول شد در انتها با پیره
در میان شعله ها تن پوش ابراهیم بود
شد گلستان آتش این ماجرا با پیره
مثل خورشید آمد از مصر و به کنعان پا گذاشت
چشم نابینا گرفت آخر شفا با پیره
راه افتاد از تمام تار و پودش جوی خون
چون گره خورده سپاه تیرها با پیره
در غروب حادثه دیده ست چشم دختری
چون نمانده بر تن زخمی با پیره
منتقم هر روز می بیند به روی ریگ ها
لحظه برخورد هر سنگ و عصا با پیره
صحنه محشر شود غوغا برای انتقام
مادری باید بگیرد خون بها با پیره

غزل حضرت حر

◀ حسین حمیدی

تیغ بردار و جدا کن از گریبانم سرم را
یا که در آتش بسوزان پای تا سر پیکرم را
خود اجابت کن همین امروز نفرین خودت را
گو نشانند از همین حالا به داغم مادرم را
من نمی دانم که معلوم است شرمم یا نه اُمّ
با خود از بهر گواه آورده ام چشم ترم را
من نمی خواهم دگر از بند تو آزاد باشم
دوست دارم که خودت پرپر کنی بال و پرم را
من فدایی تو خواهم شد مرا رخصت ده اُمّ
گو که همراه تو خواهم بود روز محشرم را

غزل حضرت مسلم

◀ امیر کیشمشکی

ای سرم باد فدای سر تو می ترسم
دم آخر ز دم آخر تو می ترسم
پرده افتاد تو را غرقه به خون می بینم
از بلایی که می آید سر تو می ترسم
عطر سیب سرت از خانه ی خولی آمد
گر به مطبخ برود مادر تو می ترسم
آه دیدم که ز پهلوست سری بر نیزه
از خسوف قمر لشگر تو می ترسم
وای از چیدن اعضای تنی بین عبا
تا که تکمیل شود اکبر تو می ترسم
قاسمت طعمه ی سُم کوبه ی اسبان نشود
گر کشد پا به زمین در بر تو می ترسم
ساعتی آب نخوردم نفسم بند آمد
از ترک های لب اصغر تو می ترسم
من لب بام و تو در مذبح گودالی سرخ
نیزه آذین شده پا تا سر تو می ترسم
لا اقل پیرهنی این دم آخر دارم
آه عریان نشود پیکر تو می ترسم
با لب پاره به فکر لب و دندان توام
بزم می، چوب و لب اطهر تو می ترسم
همه ی حاجتم این است به این جا نخورد
گذر قافله ی خواهر تو می ترسم

خانه بر دوشم و ذکر لبم این است حسین
از وفا نیست در این شهر نشان، کوفه میا
هرچه گفتند و نوشتند دروغ است و فریب
وعده‌ها بوده فقط حرف لسان، کوفه میا

حُرمت آنکه فرستاده‌ی تو بود شکست
به دلم داغ غم از غربت ایام نشست
جُرْم من نسبت من با علی و آل علیست
بس شنیدم ز جفا زخم زبان، کوفه میا

تیغ و سرنیزه خریدند، همه منتظرند
دشنه در دست رسیدند، همه منتظرند
به سفیر تو نشد رحم، به اصغر نشود
می‌شود فصل بهار تو خزان، کوفه میا

خولی و شمر و سنان و عُمرِ سعد لعین
خنجر از کینه کشیدند پی کشتن دین
فکر مظلومی تو کشته مرا پیش از مرگ
دلم از درد رسیده به فغان، کوفه میا

داغ اولاد تو روی جگرت می‌ماند
روی دستان تو جسم پسرت می‌ماند
شهر، دنبال سر پاک تو راه افتاده
می‌شود رأس تو بر نیزه عیان، کوفه میا

آنکه با تیر سه شعبه به کفش می‌آید
سه نشان دارد و بهر هدفش می‌آید
سینه‌ی پاک تو و اصغر و چشمان قمر
حرمله، تیر نهاده به کمان، کوفه میا

بر سر بامم و از غربت تو گریانم
به فدای سرت ای عشق اگر عطشانم
تن خونین من از بام زمین خورد، حسین
نبود هیچکس این جا به امان، کوفه میا

می‌زنم بهر بنات حرمت زار، حسین
به اسیری و کنیزی بگشدد کار، حسین
کوفه با مرد غریبی که چنین کرد دگر
نشود رحم در این جا به زنان، کوفه میا

مسمط شب اول

◀ مهدی قربانی

عشق، با داغ خود متمم شد
نظم هستی شکست و در هم شد
بعد از آن این چنین مجسم شد
که فقط باید از نو آدم شد
تا که آماده‌ی مُحَرَّم شد

با همین حال السلام علیک
شمس اقبال السلام علیک
ذبح گودال السلام علیک
شاه پامال السلام علیک
از غمت ماه آسمان خم شد

ما رسیدیم نوکرت باشیم
از غلامان محضرت باشیم
در سیاهی لشکرت باشیم
گریه کن‌های خواهرت باشیم
چشم‌هامان به گریه ملزم شد

چون که بانی ماتمت زهراست
تا ابد پرچم عزا بالاست
مادرت روضه خوان عاشوراست
آه او قدر ناله‌ی دنیاست
گریه کرد و غمت معظّم شد

این عزای محرّمت با ما
استواری پرچمت با ما
نوحه با فاطمه دمت با ما
نوش جان کردن غمت با ما
این چنین هیئتت فراهم شد

روضه‌ات از صدا نمی‌افتد
پرچم از دست ما نمی‌افتد
نوکر از دست و پا نمی‌افتد
جز به پای شما نمی‌افتد
خوش به حال کسی که محرم شد

مثل زلفی که زیر باران است
پیره‌ن مشک‌ام پیریشان است
روضه‌ای در حوالی آن است
گریه دارد تنی که عریان است
بعد غارت چه نامنظم شد

دم آخر چه زود می‌رفتی
پیش چشمی کبود می‌رفتی
تشنه بودی سجود می‌رفتی
مرکبت نیزه بود می‌رفتی
سایه‌ات از سر جهان کم شد

ای سپهر هدایت پنجم
ای تن زیر دست و پاها گم
ای درخشان به نیزه چون انجم
ای سر سنگ خورده از مردم
سرت از زخم و خون معمم شد

ای تن روی دشت پاشیده
لبت از نیزه آب نوشیده
خون تو در تنور جوشیده
تنت از خاک، جامه پوشیده
بدنت زیر تیغ مبهم شد

چهارپاره شب اول

◀ وحید دکامین

می‌وزد از حوالی پرچم
دم روح القدس به جان بشر
دَمْعَةً السَّاكِبَةَ لِأَيِّ حَسِينٍ؛
نالہ از جان کشید سوز جگر

شوره زار کویر چشمانم
جاری از اشک ناب می‌گردد
تشنه بودی، گرسنه کشته شدی
غصّه‌ات نان و آب می‌گردد

در حسینیه‌ی خدا، در عرش
بیرق ماتم و عزا برپاست
مادرش با دم بُنَّتِ حَسِينِ
اولین روضه‌خوان عاشوراست

غم صلا زد دوباره، برخیزید
شور در عالم از غمش افتاد
گذر عاشقان ثارالله
باز بر نوحه و دمش افتاد

بر کدامین غمش عزا داریم؟
حضرتش تشنه بر لب رود است
از عطش، آسمان کرب و بلا
در نظرگاه چشم او دود است

باز هَلْ مِنْ مُعِينِ تَارَالله
کربلا، بی جواب می ماند
عصر روز دهم پس از غارت
پیکرش بین آفتاب می ماند

شب اوّل گریز می خواهد
کربلا ... قتلگاه ... پایین پا ...
روضه یک خط، اشاره ای کافیهست
پیکری جمع شد میان عبا

کوچه وا گشت و در بلا افتاد
بر تن او چه رفت در این دشت
یک علی بود آن که میدان رفت
در عبا قطعه قطعه بر می گشت

ترکیب بند شب دوم

◀ مهدی قربانی

آخر انتظارها این جاست
با خدایت قرارها این جاست
تک و تنها نشسته‌ای اما
لشکری از سوارها این جاست
منزل آخری پر از ترس است
منزل نیزه دارها این جاست
خواهر مضطرت دلش خون است
خانه‌ی اضطرارها این جاست
بعد قتل فجیعتان حتماً
جایگاه مزارها این جاست
پیری‌ام را ببین همین حالا
مبدأ انکسارها این جاست
تو نباشی کنارم، آخر سر
به سر من هوارها این جاست
قوم تو خانواده و آن سو ...
قومی از نابکارها این جاست
چه کنم در حصار این ماتم
دورمان را گرفته نامحرم
صحبت از خانه بود و مهمانی
نه که این خیمه‌ی بیابانی
صحبت از باغ بود و سرسبزی
نه که این خشکی و هراسانی

نام این سرزمین بلا دارد
حق بده بر نگاه بارانی
کوفه نزدیک ماست اما ما
بین صحرا شدیم زندانی
فقط اینجا سراب می بینم
به گمانم که تشنه می مانی
نه درختی که سایه بندازد
روی طفلی که خوب می دانی
از تولد مسافرت کرده
همره مادر پریشانی
که دلش شور می زند وقتی
که ندارد امید بارانی
رو به روی جماعت او باش
فکر اوضاع کودکان باش
روزگرم سیاه خواهد شد
عمرم اینجا تباہ خواهد شد
همگی می روید و بعد از آن
خواهرت بی پناه خواهد شد
کاف و ها، یا و عین و صاد این جاست
معنی اش قتلگاه خواهد شد
بدنت زیر پا اگر افتاد
مقتلت شاهراه خواهد شد
این هیاهو که هست معلوم است
به سر نیزه ماه خواهد شد

آخرش گوشه‌ای از این گودال
مادرت غرق آه خواهد شد
سهم اولاد خسته‌ات آخر
خنده‌ی یک سپاه خواهد شد
موقع غارت تنت اینجا
ساریان رو به راه خواهد شد
وای اگر که ببینمت بی حال
که تنت مانده گوشه‌ی گودال

چهارپاره شب سوم

◀ مهدی قربانی

همه خوابند و من فقط بیدار
این خرابه چقدر تاریک است
مثل خورشید بر سر بامم
به گمانم که صبح نزدیک است

خسته آهسته زیر لب گفتم
سحر من، کجای این راهی؟
من دلتنگ، پرسش‌م این است
دخترت را مگر نمی خواهی؟

بدتر از این عذاب بی خوابی
نیمه‌ی شب عذابِ پا درد است
به کسی که نگفته‌ام این درد
چه بلایی سرمن آورده است

وسط راه زیر هر شلاق
گریه کردم که آی بازویم
من که از مردها کتک خوردم
مثل زهرا شکسته پهلویم

خیمه آتش گرفت و من مویم
چادرم سوخت بر زمین افتاد
مثل یک پیرزن شدم بس که
به روی من چروک و چین افتاد

خاطرات مدینه یادت هست
دخترت بود و حس آغوشت
بازی کودگانه‌ی من بود
بعضی اوقات، بر سر دوشت

من که جایم به روی دستت بود
روی خاک خرابه جایم نیست
به جز از نان خشک شامی‌ها
هیچ چیزی دگر غذایم نیست

شب به فکر عذاب امروزم
فکر آزار صبح فردایم
نفسم را به روی لب آورد
خارهایی که رفته در پایم

کاش بودی و کاش می‌دیدي
کاسه‌ی صبر دخترت پر شد
بین یک مشئت دختر شامی
پیره‌ن پاره‌ام تمسخر شد

کاشکی از سفر که برگشتی
یک لباسم برای من بخری
دست من را بگیری و با خود
از میان خرابه‌ها ببری

بس که از این و آن کتک خوردم
بدنم زود بی تعادل شد
اثر سیلی است دندانم
در دهان یا شکست یا سُئل شد

آن سری که به روی آن نی بود
به تو اصلاً شباهتش کم نیست
رگ زیر گلوی او پخش است
برش حنجرش منظم نیست

چند باری که دیدمش دیدم
که لب زخمی اش ترک دارد
گریه می کرد تا مرا می دید
نکند زخم او نمک دارد

دختری در میان یک کوچه
به من و حال و روز من خندید
پدرش رفته بود نان بخرد
از من از بودن تو می پرسید

صورتی زیر مشتم برگشته
دخترت ناله از ستم دارد
زجر من را که زد از آن موقع
پلکم افتاده و ورم دارد

چهارپاره شب سوم

◀ وحید دکامین

از غم و درد دوری بابا
عجیبی نیست گر پریشانم
آمدی، سرزدی به من آخر
جان عالم فدای مهمانم

در پی‌ات کوچه، کوچه می‌گفتم:
بنگر این حال زار من بابا
از سر نی بیا کمی پایین
ماه شب‌های تار من بابا

بی تو از درد، جان به لب بودم
خوب شد آمدی، گله دارم
یاس نیلوفری شدم از داغ
بر تنم، زخم سلسله دارم

من اگر سیلی از عدو خوردم
خیزران بال لب تو بد تا کرد
آنقدر در پی‌ات دویدم که
تاول پای من دهان وا کرد

ساریان برد اگر عقیق تو را
من النگوی خود به او دادم
گر تو از صدر زین، زمین خوردی
من هم از روی ناقه افتادم

موقع راه رفتنم هر بار
سخت اگر پا شدم، اگر مُردم
بین زهرا و من شباهت هاست
ارث خود را ز فاطمه بردم

موی من، موی تو، اگر خاکبست
یا به خاکستر است آکنده
آتش از بام بر سرم افتاد
گیسویم درهم است، شرمنده

آمدی سرزدی به من با سر
حاجتم گرچه شد روا، بابا
رونمای تو جان سپردن داشت
نرسیدم به کربلا، بابا

در خرابه اگر به یک بوسه
گشتم ای عشق، خوشه چین از تو
آخرین درد دختری این بود
من که جا ماندم اربعین از تو

غزل شب چهارم

◀ مهدی قربانی

با دست خود نوشته خدا روی دفترش
سر لشکر سپاه حسین است خواهرش
سرلشگری که کاخ ستم را خراب کرد
با ذوالفقار گریه و اشک مطهرش
حتی به تند باد حوادث که می وزد
این کوه صبر لرزه نیفتد به پیکرش
روضه اگر که دین غم انگیز عاشقیست
زینب سزاش هست که باشد پیمبرش
ما را مدافعان حرم آفریده اند
یعنی که ما شدیم غلامان محضرش
ایل و تبار او همه سلطان عالمند
ایل و تبار ما همه هستند نوکرش
هرگز فقیر نیست کسی که فقیر اوست
روزی خلق می رسد از خاک معجرش
حتماً که صبح روز قیامت شفیع ماست
با چادر سیاه نیفتاده از سرش
او ناخدای کشتی در هم شکسته است
با بادبان بر سر نی در برابرش
یک نصف روز، حاصل عمرش به باد رفت
او مانده بود و قافله و وضع مضطرش
سخت است عاشقانه ببینی که دلبرت
خنجر رسیده است به گودی حنجرش

پیش نگاه مضطر او لحظه‌ی غروب
والشمز جالس، شده احوال دلبرش
وقتی رسید دید که در بین قتلگاه
با ضجه می‌زند به سر و سینه مادرش
با ناله رو به آن بدن پاره کرد و گفت
عالم فدای پیکر در خون شناورش
تا صبح حشر هر چه خدا خلق می‌کند
قربان زخم زیر گلوی برادرش

ترانه شب چهارم

رضا جوان بخت

دو خسرو کفن به تن
دو زلف پر شکن شکن
دو گوهر مُلک خُتن
دو عندلیب زینبی
دو بال جعفر آمده

دو تیغ مانده در نیام
دو ماه پاره‌ی تمام
دو ذوالفقار انتقام
دو تا مدافع حرم
شیر قلندر آمده

دو شیرزاده‌ی حرم
دو با وقار و با جنم
دو شهریار محترم
برادران هاشمی
قند مکرر آمده

مالک اشتر حرم
امیر لشگر حرم
فخر مفتح حرم
از دل خیمه‌ها برون
با دو دل‌آور آمده

دسته گل خواهر تو
پیشکش محضر تو
فدایی اصغر تو
هم حسن اند و هم حسین
سرو و صنوبر آمده

حسین ای حصن حصین
شهنشه زهره جبین
دو دست خالی ام ببین
ببخش کم بضاعتم
هدیه ز خواهر آمده

عزیز کرده ی خدا
در این طلیعه ی بلا
قبول کن کم مرا
تو دست رد نمی زنی
صحبت مادر آمده

کم زیاد کن حسین
امر جهاد کن حسین
غمم تو شاد کن حسین
بگو که زودتر روند
دو مرد معبر آمده

به حق این زلف کمند
بیا بکش مرا به بند
باب جهاد را مبند
که می روم خودم به جنگ
دختر حیدر آمده

امر به انتحار کن
جبر به اختیار کن
خزان من بهار کن
دوباره فکر کن حسین
علی اکبر آمده

ببر به مسلخ جنون
دو شیرزاده را کنون
ذبح نما به رسم خون
تحفه‌ی ناقابلی از
جانب هاجر آمده

لحظه‌ی جان کندشان
حیف، نشد که باغبان
به یاری‌ات شوم روان
حلال کن که شرمم از
روی برادر آمده

شکر از این بخت سپید
به یاری شاه وحید
فدیه نمودم دو شهید
ولی بمیرم که حسین
وداع آخر آمده

شورش محشر آمده
زهرا و حیدر آمده
آه پیمبر آمده
لحظه‌ی دست و پا زدن
شمر جلوتر آمده

چهارپاره شب پنجم

◀ مهدی قربانی

کار بالا گرفت و افتادی
وسط عده‌ای پراز کینه
آخر قصه‌ی تو معلوم است
شمر خواهد نشست بر سینه

خیمه بودم خدا نظر کرد و
پرده از پیش چشم من برداشت
عمّه می‌خواست مانعم باشد
عشق اما گریز دیگر داشت

ناگزیر آمدم به دنبالت
تا رسیدم کنار این گودال
با تن زخمی‌ات بلند شدی
آمدی سمت من به استقبال

به تنت زخم روی زخم آمد
به سرم خاک تیره می‌پاشم
با لب تشنه‌ات نگو برگرد
آمدم تا کنار تو باشم

تک و تنها نشستنی و لشکر
نفست را بریده اند این‌جا
تیغ‌ها را به قصد آزارت
روی زخمت کشیده‌اند این‌جا

قبل از این که کنار تو برسم
دیده بودم به جانت افتادند
روی زخم گلوی مجروح
نیزه‌ای را فشار می‌دادند

قبل از این که کنار تو برسم
دیدم این جا برو بیا دارند
حُرمت پیکر تو را این‌ها
روی این خاک، زیر پا دارند

شمر و خولی و حرمله هر سه
نوبتی می‌زدند روی تنت
آنقدر زخم خورده‌ای دیگر
جای سالم نمانده بر بدنت

قدّ من کوچک است اما باز
من جلودار این خطر بشوم
نفسی تازه کن عزیز دلم
آمدم که تو را سپر بشوم

نیزه و تیغ و تیرها حالا
بدنم را پر از نشان کردند
نوک سرنیزه‌های این مردم
روی قلب من آشیان کردند

در شلوغی، فقط خدا نکند
دستم از دست تو رها بشود
کاش این جا شبیه عبّاست
دستم از پیکرم جدا بشود

دستم افتاد اگر، فدای سرت
از سرت کاش دست بردارند
ولی انگار این همه لشکر
یک سر از پیکرت طلب دارند

این دم آخری در این گودال
راحت جان من شد آغوشت
قتلگاهم به روی سینه توست
پیکرم مانده بر سر دوشت

آخر قصه، وقت تاریکی
بین گودال، هر دو می مانیم
پیش چشمان عمّه ام زینب
هر دو تا زیر سُم اسبانیم

مربع ترکیب شب ششم

◀ وحید دکامین

وقت آن گشت که چون لاله به گلزار آید
این غزال از حرم عشق پدیدار آید
بی زره رفت به میدان که سبکبار آید
چون علی اکبر از این راه به دیدار آید

نوجوان است ولی مثل پدر، صف شکن است
«تیرها پر بگشایید که او هم حسن است» *
سرو طوبای حرم راهی میدان بلاست
پشت او دست همه رو به خدا، سوی دعاست

در دل معرکه از آمدنش شور به پاست
قمر نجمه، مه چهارده آل عباس است
از صدف، گوهر زیننده عیان می آمد
وارث شیر جمل، نعره زنان می آمد

لشگر کوفه از این رزم هراسان شده بود
از رجزخوانی او سخت پریشان شده بود
کفر، هم مات از این جنگ نمایان شده بود
سر ازرق به زمین نقش بیابان شده بود

تیغ او در وسط معرکه غوغا می کرد
قد هرکس که قد افراشته را تا می کرد
ساقه از سنگ شکست آخر و پرپر افتاد
از روی اسب زمین خورده و با سر افتاد

بی هوا نیزه به او خورد که آخر افتاد
به عمو گفت بیا، تا که دلاور افتاد
زخم سرنیزه بر این جسم چنان کاری بود
خانه خانه عسل از موم تنش جاری بود

پای تا سر، همه جا، زخم مکرر؛ قاسم
باغ پامال شده، لاله‌ی پرپر؛ قاسم
تگه تگه شده خیرات ز خنجر؛ قاسم
ارباباً اربا شده همچون علی اکبر؛ قاسم

بس که بر پیکر او سُم فَرَس تاخته بود
جای صد نعل به رخساره اش انداخته بود
قد کشیدی و عمو در برت ای ماه رسید
وسط هلهله‌ها بود که ناگاه رسید

بر سر پیکر زخمی تو با آه رسید
تا حسین آمده، عباس هم از راه رسید
هرچه کردند از این دشت، تنت جمع نشد
بس که پامال جفا بود سرت، جمع نشد



*مصرع داخل گیومه از: ایوب پرندآور

چهارپاره شب هفتم

◀ وحید دکامین

«به چه چیز جهان دلم خوش بود؟» *
صورت عین ماه دلبندم
ملکوتی جمال، مثل حسین
جان عشق است، جان فرزندم

به چه چیز جهان دلم خوش بود؟
خواب آرام او در آغوشم
برق چشمان مثل خورشیدش
نفس گرم او در گوشم

به چه چیز جهان دلم خوش بود؟
لایی لایی علی علی گفتن
نیمه شب‌ها به عشق او بیدار
تا ابد در کنار او بودن

به چه چیز جهان دلم خوش بود؟
گل لبخند روی لب‌هایش
این که لب وا کند به نام پدر
"جان" بگوید حسین بابایش

به چه چیز جهان دلم خوش بود؟
دیدن قد کشیدن اصغر
زنده ماندم، به چشم خود دیدم
کربلا، غرق خون، تن اصغر

کاش می مردم و نمی دیدم
لب خشکیده، کام عطشانان
خیمه بی آب و مشک ها خالی
عمو عباس شد پریشانان

حنجرش سوخت بس تلّی کرد
مثل ماهی لبش به هم می خورد
قطره آبی اگر از آن دریا
به علی می رسید هم می مرد

جای یک جرعه آب، با یک تیر
غنچه‌ی ناشکفته پرپر شد
رحم حئی نشد به او در خاک
قاتلم، داغ جسم اصغر شد

همدمی نیست بعد تو جز اشک
تا قیامت سیاه می پوشم
آن سه شعبه چه بر سرت آورد
آه، مادر، نشد فراموشم

از تو گهواره مانده بود آن هم
عصر روز دهم به غارت رفت
بی تو یک روز خوش ندیدم من
مادرت بعد تو اسارت رفت



*مصرع داخل گیومه از: شهرام میرزایی

غزال شب هشتم

◀ امیر کیشمشکی

ببین تمثال برتر را
پیمبر را و حیدر را و زهرا را و اکبر را
و او تکرار کژار است
ببیند اهل عالم باز هم طوفان حیدر را
به هر ضربش حسابی هست
که تیغش این چنین مینها کند از جمع تن سر را
سپاه کوفه و ما مانده
که این سو را ببندد یا ببندد سوی دیگر را
عطش اما عطش ای وای
مگر تنها عطش از پا ببندازد دلاور را
به سمت خیمه‌ها برگشت
ولیکن چشمش از خشکی لب‌های پدر تر گشت
علی رفت و چه‌ها کردند
به ضربی فرق اکبر را چنان حیدر دوتا کردند
و خون بر چشم مرکب ریخت
حرامی‌ها کشیدند و برایش کوچه‌ها کردند
به مسلخ رفت و یک لشکر
به جسمش تا که می‌شد تیر و تیغ و نیزه جا کردند
و در لقاچه می‌گویم
چو مردان از زدن ماندند زن‌ها را صدا کردند

گلی صد برگ شد اکبر
که او را بین صحرا کوفیان پخش و پلا کردند
کنار خیمه‌ها بابا
شنید آوای محزونی صدایش زد بیا بابا
«صدایم در نمی‌آید
دلم می‌سوزد و کاری ز دستم بر نمی‌آید» *
صدایی گفت در گوشم
حسین آرام باش آرام علی دیگر نمی‌آید
چنان تقسیم گشتی تو
که از جسم تو در این دشت پریز تر نمی‌آید
به مغز استخوان رفته
که هر چه می‌کشم از تیر جز پر در نمی‌آید
جوانم ارباً اربا شد
چرا عمرم کنار تکه‌های سر نمی‌آید
بگو بابا علی اکبر
که می‌میرم بدون تو در این صحرا علی اکبر
دهان زخم وا مانده
کمی از پیکرت بر قیچی جَرّاحه‌ها مانده
شبیه رشته‌ی تسبیح
تمام عضوهای تو در این جا نخ نما مانده
چرا فرق تو این گونه‌ست
چه کرده با سرت دل‌بندم این شمشیرِ وامانده

نه تنها تیر یا شمشیر
پراز خونی و در پهلوی تو سر نیزه جا مانده
و بر من سخت و دشوار است
که کار چیدن اعضای تو بین عبا مانده

■
*مصرع داخل گیومه از: مهدی اخوان ثالث

مخمس شب هشتم

◀ وحید دکامین

به نام ایزد مٔان، سلام؛ علی اکبر
سخن ز مدح تو افضل کلام؛ علی اکبر
به جمعِ حُسن و ملاحت تمام؛ علی اکبر
به خَلق و خُلُق محمّدمرام؛ علی اکبر
هوای عشق تو دارم مدام؛ علی اکبر

تویی که آینه‌ی ذاتِ کبریا هستی
در ابتلا به بلا، نزد حق رضا هستی
نسیم روح‌نوازی که جانفزا هستی
نجات خلق خدا را تو خون بها هستی
که هست بر تو روا این مقام؛ علی اکبر

تجلّی همه اسماء حق سرپایش
حسین، محو تماشای قدّ و بالایش
عمو، عمامه به سر بست جای بابایش
زمین به لرزه در افتاد از قدم‌هایش
قیامت است که کرده قیام؛ علی اکبر

به عرش، خیل ملائک بُود ثناخوانت
نقاب را به رخ انداخت، روی چشمانت
و رفت جان دو عالم به سوی جانانت
رجز به نام علی خواند، جان به قربانت
کشید تیغ دو دم از نیام؛ علی اکبر

کمک گرفت ز زانو، رسید در بر تو
که سدّ راه نفس بود خون حنجر تو
گذاشت با دل خونین به سینه گر سر تو
چگونه جمع کند تگّه تگّه پیکر تو
چه ها کشیده ای از ازدحام؛ علی اکبر

نمانده چیزی از آن قدّ و قامت رعنا
که هر طرف شده خیرات در دل صحرا
به خیمه ها چه گذشته به مادرت لیلا
پس از تو گفت حسین "خاک بر سر دنیا"
نیافت داغ تو یک لحظه التیام؛ علی اکبر

کشید ناله حسین از جگر که "یا وُلْدی"
به گریه سمت نجف گفت: "یا علی مددی"
در این مقال، مقاتل نوشته مستندی
رسید زینب کبری، نبود هیچ احدی
کمک کند به نجات امام؛ علی اکبر

غزل شب هشتم

◀ فاطمه محمودزاده

چشم او افتاد بر دنیا، دل ما جان گرفت
از تماشای جمالش، هر دلی سامان گرفت
چشم‌هایش شرم گل، گفتار او آیات عشق
هر نفس با عطر یاس و نغمه‌ی قرآن، گرفت
در نگاهش سوز جان، در سینه‌اش دریا تپید
کربلا هم با حضورش هیبت طوفان گرفت
تا رسید آن لحظه‌ی خونین تقدیر غروب
دشت، رنگ از چهره برد و آسمان باران گرفت
بر تنش، پیراهنی از نیزه‌ها، از تیرها
خون او جوشید و صبر خیمه‌ها، پایان گرفت

مثنوی شب تاسوعا

◀ سیدحسین صمدی

می‌رود قوّت قلب همه، مهتاب حرم
می‌رود پشت سرش حضرت ارباب حرم
چَقَدَر دست نوازش به سر ماه کشید
گریه می‌کرد حسین از دل خود آه کشید
که خدایا پدّری پیرم و من محتضرم
یا مُعینَ الضّعفا جان تو، جان پسرم
نرو ای زندگی ام بال و پرم را نشکن
ای همه هستی بابا کمرم را نشکن
نور چشمم ز غم تو بصرم سوخت علی
قدری آرام برو که جگرم سوخت علی
آه در باغ حرم رنگ خزانی افتاد
پدّری خورد زمین تا که جوانی افتاد
گریه می‌کرد حسین، شمر تبسم می‌کرد
مرکب از بخت بدش راه حرم گم می‌کرد
کوچه ای وا شد و پهلوی علی درد گرفت
گفت یا حیدر و ابروی علی درد گرفت
از عقاب آخر سر این پسر شیر افتاد
نوهی فاطمه در زیر لگد گیر افتاد
هرکسی بر تن او سهم خودش را میزد
شیر افتاده و کفتار به او پا میزد

آه وقتی به حرم ناله‌ی این ماه رسید
با چه حالی به سر نعش پسر شاه رسید
از سر زین همه دیدند که با رو افتاد
پسر فاتح خیبر سر زانو افتاد
گفت ای تازه جوانم کمرم درد گرفت
لشکری ریخت سرت آه سرم درد گرفت
جگرم سوخته، شمر از جگرش می‌خندد
پسر سعد به من با پسرش می‌خندد
اثر چیست شدی این همه مبهم پسرم؟
نور چشمم شده کم یا تو شدی کم پسرم؟
پسر حضرت لیلایی و پروانه شدی
مثل تسبیح چرا یکصد و یک دانه شدی
سهم بابای تو از داغ جوان خنده شده
پیکرت در همه‌ی دشت پراکنده شده
پیکرت را تک و تنها ز کجا جمع کنم؟
همه زندگی‌ام را به عبا جمع کنم
جگرم درد گرفته‌ست دوا نیست علی
چیده‌ام جسم تو را، چند هجا نیست علی
می‌رود جان ز تنم گر تو نخیزی اکبر
چه کنم تا ز عبایم تو نریزی اکبر
جان من با قسم عمّه که برگشت علی
دشت از تو شده پر یا تو پر از دشت علی

گل خود را به عبا خونی و پرپر ببرم
علی اکبر خود را علی اصغر ببرم
خیز و از جا پدر بی کس و بی یار ببین
عمّهات را وسط لشکر اغیار ببین
خیز و از جا پدر بی کس خود یاری کن
عمّهات دست به معجز نبرد کاری کن

غزل شب تاسوعا

◀ مهدی قربانی

اشک، بر آب چکاند و گله‌ها را وا کرد
درد دل بود که با آب روان افشا کرد
گفت ای آب چه می‌دانی از اطفال حرم
که عطش در گذر خیمه‌ی شان غوغا کرد
تو خنک هستی و طفلان حرم می‌سوزند
حالت قافله چشمان مرا دریا کرد
این که من مشک به دوش آمده‌ام در پی تو
شهرتم را به جهان تشنه‌ترین سقا کرد
سهم اصغر چقدر هست از این امواجت
ترک روی لبش مرگ مرا امضا کرد
آب! از شرم اگر آب شوی جا دارد
چون نبود تو مرا پیش حرم رسوا کرد
بخت سرگشته‌ی من مشک تهی از آب است
مشک بی‌آب، خجالت‌زده را معنا کرد
از غم من کمر شاه جهان می‌شکنند
غصه‌ی غربت او قامت من را تا کرد

غزل شب تاسوعا

◀ سیدحسین صمدی

تو رفتی و کَلّی برایم دردسر مانده
یک سینه پر از آه، با کوهی شرر مانده
سخت است این که از عقابت در دل صحرا
باید ببینی که فقط یک مشت پر مانده
سخت است وقتی داغ سختی بر دلت داری
یک عده خوشحالند و تو تنها و درمانده
من یک پیمبر داشتم، که ارباباً را شد
حالا کنار علقمه شَقُّ الْقَمَر مانده
دستت که افتاد امنیّت هم سایه اش افتاد
من ماندم و دستی که حالا بر کمر مانده
بالا سرت تا که رسیدم، مات افتادم
از آن همه عبّاسی من، این مختصر مانده؟
نیمی ز چشمت با نوک تیر سه پر رفته
نیم دگر هم خیره بر مشک و سپر مانده
با تو چه کرده داس‌ها هر قطعه می‌گیرم
بر خاک صحرا باز یک نیم دگر مانده
از من بپرسد خواهرم پس کو علمدارت
با گریه خواهم گفت که، چیزی مگر مانده
از ما؛ فقط من ماندم و یک زینب تنها
از رو به رو؛ اّمّا هزاران بد نظر مانده
برخیز می‌ترسم ببینم خواهرم زینب
مابین خولی و سنانِ خیره‌سر، مانده

دوبیتی شب تاسوعا

◀ مهدی قربانی

به روی نی تو را با لچ گرفتند
به سمت من در این هودج گرفتند
ز بس که زخم حلق تو عمیق است
سرت را روی نیزه کج گرفتند

نگاهت با نگاهم خو گرفته
سرت بر نیزه‌ای پهلو گرفته
خجالت می‌کشد از تو که دائم
سکینه از سرت هم رو گرفته

غزال روز عاشورا

◀ امیر کیاشمشکی

بی حال افتاد
در اوج غربت در دل گودال افتاد
تأویل والفجر
از رجعی، تا کرد استقبال افتاد
جسمی مشبک
از تیر و تیغ و نیزه ملال افتاد
تا که فرو رفت
سر نیزه در پهلوی او بی حال افتاد
با تیر مسموم
آخر حسین از اسب خونین یال افتاد
تا دید زینب
عشقتش به روی خاک شد پامال، افتاد
می رفت جانش
آمد سنان سرنیزه را زد در دهانش
با هر نفس آه
هی خاک و خون می ریزد از بین لبانش
هر کس به نحوی
سر نیزه می چرخاند بین استخوانش
از سینه اش خون
فواره می زد مثل آب از ناودانش
سوی حرم بود
در هاله ی خون نیمه جان دیدگانش

قاتل رسید و
با خنده هی می داد با پایش تکانش
او خنجرش را
هی می کشد اما نمی بُرد سرش را
با چکمه چرخاند
بر خاک خونین نیمه جان پیکرش را
مست از بریدن
حتّی نمی دید التماس خواهرش را
هی ضربه می زد
تا که جدا کرد استخوان خنجرش را
ساعت گذشت و
بر نیزه ها دیدند چشمان ترش را
با گریه از نی
می دید در رخت اسارت خواهرش را

غزل روز عاشورا

◀ حسین حمیدی

از بس که لگدکوب شدی با تو تنی نیست
ای وای چرا بر تن تو پیره‌نی نیست
برخیز و نشانم بده خود پیکر خود را
این جا که همه خون شده این جا بدنی نیست
افسوس مگر با تو چه کردند که دیگر
در دست تو ای شاه عقیق یمنی نیست
آن قدر که دلواپس این دخترکانم
با تو دگرم جز نگرانی سخنی نیست
من دل نگرانم چه کنم با بدن تو
حالا که مرا بهر تو حتی کفنی نیست

غزل روز عاشورا

◀ حسین حمیدی

نه جوشنی نه عمامه نه پیرهن مانده
بر این دو تگّه تنی کز حسین من مانده
کم است، هر چه شمردم، به دستش انگشتی
گمان کنم که به آن خاتم یمن مانده
هر آنچه بود به تاراج برده این لشکر
مگر چه دیگر از این پاره پاره تن مانده
شهی که عالم امکان گدای خوانش بود
هنوز هم بدنش لنگ یک کفن مانده
به روی نی سر خورشید و شرم می بارد
هر انجمی که به پهنای انجمن مانده

غزل روز عاشورا

◀ طیبہ بہبودی

نرو کہ در دل من اضطراب می پیچد
به لحظه لحظه ی عمرم سراب می پیچد
چرا به جای زره پیرهن به تن کردی
میان زخم تو بوی گلاب می پیچد
قرار بین دو عاشق چه بوده غیر از عشق
بلا میان من و تو حجاب می پیچد
چگونه دل بکنم از تویی که جان منی
به دور قامت من التهاب می پیچد
همیشه دست تو ای کاش توی دستم بود
به دور دست من آخر طناب می پیچد
به گوش های جهان تا به صبح رستاخیز
نوای العطش و آب آب می پیچد
هزار چشمه زمزم پس از شروع وداع
به چشم های زلال رباب می پیچد

غزل روز عاشورا

رضا جوان بخت

دیدم میان مقتل عریان رها ت کردند
ای کاشف الکرب من، غم میتلات کردند

یحیای کربلا حیف از پیکر شریف
با چکمه‌های وحشی هی جا به جات کردند

ای شعر غربت عشق ای واژه‌ی غریبی
با تیغ و نیزه‌هاشان چندین هجات کردند؟

مشغول ذکر بودی لج کرد با تو قاتل
با نیزه‌ی غریبی پس بی صدات کردند

بر روی پیکر تو تصویر ردّ پا بود
هی آمدند و رفتند تا نخ‌نمات کردند

پیراهن از تن تو کردند و بین بازار
ارزان فروختند و اندک بهات کردند

هر چه غنیمت از تو می‌شد به زور بردند
در کوفه بین بازار دیدم بساط کردند

در پیش چشم زهرا بر روی خاک مقتل
تو دست و پا زدی و آن‌ها نگات کردند

رأس تو را بریدند بالای نیزه بردند
آخر شهید دشت کرب و بلات کردند

مثنوی شب یازدهم

◀ حمیدرضا عباسی

سکوت بود و سیاهی، سکوت بود و سکوت
سکوت بود و زمین مات و آسمان میهوت

سکوت بود و سیاهی و زوزه‌ی ظلمت
سکوت بود و غریبی و هجمه‌ی وحشت

مسیر حنجره با بغض بی‌امان پر بود
و چشم خیس فلک غرق در تحیر بود

صدا اگر ز دل سنگ می‌رسید به گوش
نبود هیچ صدایی به جز صدای وحوش

گذشته بود شب از نیمه و جهان در خواب
زمین به مرگ فرو رفته و زمان در خواب

غروب روز دهم سر بریده شد اسلام
غروب روز دهم داغ‌دیده شد اسلام

غروب روز دهم ذبح نور بدعت شد
غروب روز دهم هرچه بود غارت شد

غروب روز دهم بال کهکشان می‌سوخت
غروب روز دهم پیکر جهان می‌سوخت

غروب روز دهم خون به قلب عالم شد
غروب روز دهم پشت آسمان خم شد

گذشته بود شب از نیمه و جهان در خواب
زمین به مرگ فرو رفته و زمان در خواب

میان خیمه‌ی شلاق خورده از آتش
گرفته پرچم حق را به دوش، زهرا وش

زنی به هیبت حیدر، به شوکت زهرا
زنی به صولت حیدر، به عصمت زهرا
زنی چنان که بر او رشک می‌برد آدم
زنی چنان که بر او سجده کرد حوّا هم
زنی عقيله، زنی بی مثال در دنیا
زنی عفیفه، زنی همچو فاطمه یکتا
همان که از سکناش خدیجه پیدا بود
همان که از وجناش علی هویدا بود
همان که آسیه و هاجرند حیرانش
که هست مریم قدّیس از مریدانش
همان که از سر او معجز حیا و وقار
به قدر یک سر سوزن نرفته است کنار
همان که دوش به دوش حسین جنگیده
همان که هرچه بلا بود یک تنه دیده
همان که قامت غم از صلابتش خم شد
همان که هرچه بلا بود، دید و محکم شد
نشسته بود به دل داشت غصّه‌ای جانسوز
تمام هستی‌اش از دست رفت در یک روز
نشسته بود و به یاد برادرش می‌سوخت
به یاد هرم نفس‌های آخرش می‌سوخت
هنوز در نظرش لحظه‌های آخر بود
هنوز در نظرش غربت برادر بود
هنوز در نظرش بود، کهنه پیرهنش
هنوز در نظرش بود، غارت بدنش

در آن سکوت نفس‌گیر، آن سکوت غریب
نمانده بود دگر در دلش قرار و شکیب
گذشته بود شب از نیمه و جهان در خواب
زمین به مرگ فرو رفته و زمان در خواب
نگاه ماه به اطراف قتلگاه افتاد
نسیم از طرف قتلگاه راه افتاد
رسید و عطر تنی پایمال را آورد
رسید و در دل بیتاب روضه بر پا کرد
رسول کرب و بلا گرچه بود زخمی بال
پیمبرانه خودش را رساند تا گودال
در آن سیاهی شب گرم جستجو شده بود
و با برادر خود گرم گفتگو شده بود
بگو کجاست تنت ای عزیز پیغمبر؟
کجا بیابمت ای نور دیده‌ی خواهر؟
رسید و دید تنی را مُرْمَلِ بِدِماءِ
رسید و دید تنی را مُقَطَّعُ الْأَعْضاءِ
نشست پیش برادر میانه‌ی گودال
کنار پیکر از زخم کینه مالامال
بگو مُقَطَّعُ الْأَعْضاءِ درست می‌بینم؟
تویی برادر من؟ درست می‌بینم؟
تویی برادر من پس کجاست پیرهنت؟
نمانده است چرا جای بوسه روی تنت؟
گرفت روی دو دستش ضریح عطشان را
گرفت روی دو دستش ذبیح عریان را

قنوت نافله اش را گرفت رو به خدا
گرفت از تن بی سر توان ماندن را
اگر نبود به دوشش رسالتی دیگر
اگر نبود به دستش امانتی دیگر
کنار پیکر محبوب خویش جان می داد
و عشق را به تمام جهان نشان می داد
گذشته بود شب از نیمه و جهان در خواب
زمین به مرگ فرو رفته و زمان در خواب
رسول کرب و بلا رفت سوی معراجش
میان خیمه‌ی شلاق خورده از آتش

غزل شب یازدهم

◀ سیدحسین صمدی

تو پیدایم کن از بالای نی در بین جمعیت
نباشد بین اهل بیت و اهل شام سنجیت
دو چشم ما ز غم خون و تمام شام می خندد
دَف و سوت و کف و شادی به جای عرض تسلّیت
گلایه دارم از هجده ستاره بر سر نی‌ها
کجایید ای بنی‌هاشم حرم را نیست امنیت
اگر تو صاحب مایی چرا پایین نمی‌آیی
حریمت مانده تنها و گرفته شمر تولیت
چه کردند این به ظاهر مسلمین با قلب پیغمبر
ندارد دینشان هیچ آبرو و هیچ حیثیت
کلیسارفتی و یک راهبی کرده‌ست تیمارت
که رفته هستی اسلام در دست مسیحیت
بگو با این سر و صورت کماکان دوستم داری؟
به جان تو ندارد حرف این و آن اهمّیت
ببین که جای همبازی شدم بازیچه‌ی اینان
چنان زجر و سنان در کودکان هم نیست تربیت
تو که از تشت می‌دیدي چرا کاری نکردی پس
دلم آتش گرفت از حرف‌های مرد بد نیت

غزل شب یازدهم

◀ طیبه بهبودی

جهان بدون تو از آب و تاب افتاده
سکینه‌ات به غم و اضطراب افتاده
غروب روز دهم با دو چشم خود دیدم
که روی خاک، تن آفتاب افتاده
به پیکر تو چهل نعل تازه تاخته‌اند
که بین مقتلت عطر گلاب افتاده
به وقت سیلی محکم به گونه‌ام، سر تو
از اوج نی به زمین با شتاب افتاده
غم النگوی من را نخور پدر، جایش
به دست من اثری از طناب افتاده
سرم شکسته ولی سرشکسته که نشدم
چه غم که خط روی جلد کتاب افتاده

غزل مصائب کوفه و شام

◀ معصومه مهبودی

و از قرار، بنا شد که قوم دیر کند
در امتحان الهی دوباره گیر کند
و بزدلانه بچرخد به دور مال و منال
و روبهان دغلکار را امیر کند
که تا یزید شود زاده دغل هاشان
و تیغ تشنه به خون حسین سیر کند
که با فریب و دغلکاری ابن مرجانه
قریب بیست هزار ابن سعد اجیر کند
و بعد؛ تیز کند نیش، ابن سعد به ری
و افتخار به پرتاب هرچه تیر کند
و این جماعت بی چشم و روی گرگ صفت
به اتفاق، تعرّض به جان شیر کند
و تیرگی بخزد سمت خیمه گاه حسین
و هرچه گله‌ی کفتار را دلیر کند
و بعد از این همه یک داغ تازه سر برسد
و شام، ... مرثیه را آه ... سر به زیر کند
که اهل بیت نبی را میان آن همه چشم
چنین به رد شدن از شهر ناگزیر کند
و از ورودی ساعات تا خرابه شهر؛
هراس و مرثیه را باز، هم مسیر کند
که رأس بر سر نبی را به تشنه اندازد؟
که نور چشم نبی را سه ساله پیر کند؟

چنین گذشت که پنداشت زاده طلقاء
به زعم کور خودش سرو را اسیر کند

...

امان بده که بگویم ادامه را هرچند
که شعر، قافیه کهنه را جدید کند
و از هوان جهان بس... همین که قسمت شد
عقیله روی سخن با چنین پلید کند
همان که نی به لب آیه‌های قرآن زد
که روی هرچه بزهکار را سپید کند
همان که زاده هند است و لاجرم می‌خواست
عمل به آنچه از او ارث می‌رسید، کند
همان که هرچه توانست خدعه کرد مگر
که از جبین خود این ننگ ناپدید کند
ولی نشد که نشد... چون عقیله لازم دید
که یک خطابه به قولی چنان سدید کند
که عیش لشکر تحریف را به هم بزند
و شب کمانه کند، روز را مزید کند
چنین گذشت که زینب مخاطبش شد او
و گرنه ماه، کجا رو سوی یزید کند؟
چگونه می‌شود این قصه را جمیل ندید؟
که شب به قعر رسد، نور را شهید کند

چهارپاره امام سجاد

طیبه بهبودی ◀

ششمین نور مطلق دنیا
پسر شاهدخت ایرانی
من کویرم، ولی به شوق تو شد
چشم خشکم دوباره بارانی

عطر پیراهنت وزید و نسیم
آمده بعد از آن به دنبالت
در زمین بودی و قدم برداشت
ماه در آسمان به دنبالت

دل من با صحیفه انس گرفت
از غم روزگار خالی شد
یک هجا از کلام تو مشهور
به ابو حمزه ی ثمالی شد

در کنارت همیشه سرسبزیم
بی تو حتی بهار پاییز است
هر سحر با دعای خمسه عشر
رمضان‌های ما دل انگیز است

کعبه هر سال ماه ذی الحجه
چشم بر راه دیدنت بوده
و خداوند نیز مشتاق -
لک لبیک گفتنت بوده

از گدایت که بر نمی‌آید
بازگویی کرامتت باشد
حجر الاسود آمده به زبان
تا گواه امامت باشد

آه ... ای یادگار کرب و بلا
روضه خوان امام عاشورا
در کتاب دو چشم تو ثبت است
شرح حال تمام عاشورا

ساعت سه، زمان توقّف کرد
شد جدا از تنش سر خورشید
وا شده پای شمر تا خیمه
چشم تو، فاطمیه را می‌دید

دست‌های تو عصر یازدهم
بسته در حلقه‌ی طناب شدند
در میان سنان و خولی و شمر
دختران حسین آب شدند

کوچه، بازار، رقص، هلله، ... آه
روضه‌ای مخفی‌ست این کلمات
ازدحام به دور محمل‌ها
وای از حال عمّه‌ی سادات

منتظر مانده‌ام برای ظهور
تا که از منتقم خبر برسد
با دعای تو ای نهایت حُسن
عمر هر غصّه‌ای به سر برسد

ای امیر سجده‌های شب، امام روشنی
ای پناه هر دو عالم، لحظه لحظه با منی
سجده‌گاهت سنگ و خاک و خون سرهای شهید
ناله‌هایت را خدا در عرش خود هم می‌شنید
در اسارت خطبه می‌خوانی به فریاد بلند
می‌کشی با خطبه‌ات طغیان ظالم را به بند
وارث آن ارغوان‌های کبود کربلا
در نگاهت می‌وزد طوفان اندوه و بلا
اشک را تفسیر صبر جاودانی می‌کنی
رنج‌ها را با شجاعت زندگانی می‌کنی
بندگی را تا کجا دیدی که هر شب با دعا
می‌رسی از اشک شب تا آستان کبریا
آسمان شرمنده‌ی چشمان بارانی تو
خاک هم در حسرت آغوش پیشانی تو
روضه‌ات مرهم به زخم جان خسته از جفاست
اشک تو اسرار صبر و غربت آلِ عباس است
با صحیفه می‌گشایی رازهای بی‌کران
می‌رسد از هر دعایت نور حق بر عاشقان
با زبان اشک گفتی آنچه شمشیرت نگفت
از دو چشمانت همه ناگفته‌هایت را شنفت

در خرابه نغمه‌ات شد، مرهم زخم یتیم
اشک‌هایت می‌نوشتند، از غم صبر عظیم
در دعای نیمه شب‌ها، گریه‌هایت بی صدا
می‌رسد از ناله‌هایت روضه‌های کربلا

غزل حضرت ام البنین علیها السلام

◀ الهام صفالو

مدام دلهره دارد، مباد کم بگذارد
چگونه در حرم فاطمه قدم بگذارد
چگونه سعی کند در صفای بیت عزیزش
چطور نان سر این سفره‌ی کرم بگذارد
به آب دیده بشوید چگونه عرش خدا را
نشد که نافله‌ای چشم روی هم بگذارد
توان نداشت ببیند که چاه همدم مولاست
ستون دین خدا را چگونه خم بگذارد
کسی که دست ید الله را گرفت، توانست
به روی شانهِ عبّاس خود علم بگذارد
چراغ خانه شده بس که رو به ماه نشسته
شده ست شادی زینب اگر که غم بگذارد
حسن که رفت، حسین است کل دار و ندارش
چگونه شرح دهم، کاش این قلم بگذارد
رسید قصّه به سر، روضه‌هاش رزم مکرّر
به اشک خواست نمی بر دل حرم بگذارد
چه عزّتی شده برتر، از این که زاده‌ی زهرا
دوباره روی کسی نام «مادرم» بگذارد

رباعی حضرت ام البنین علیہا السلام

◀ منصوره محمدی مزینان

یک تنه پیش غم حیدر خود سد می شد
نور زهرا ز خم چادر او رد می شد
یل و یل پرور و یل زاده و با اصل و نسب
پسرش حضرت عباس، نباید می شد؟

چهارپاره اربعین

◀ الهام صفالو

آرام در موکب نشسته چای می‌ریزد
با اشک می‌شوید تمام استکان‌ها را
در روزه‌ها انگار از خود می‌شود بیخود
ای کاش اصلاً نشنود این داستان‌ها را

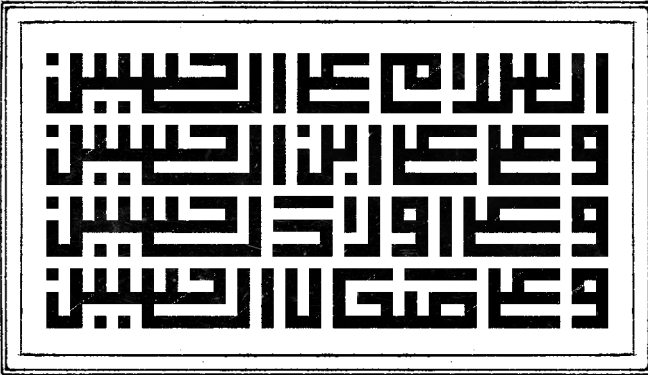
با درد پا می‌سازد و چیزی نمی‌گوید
هر خادمی آمد کنار او کم آورده
عمریست هرکس را که قلبش تیره از شک بود
با مهر زیر سایه‌ی این پرچم آورده

گاهی به وقت تنگدستی کاسه‌ی آبی
آورده و با اشک داده دست زائرها
از ویلچر گاهی به روی خاک افتاده
انداخته خود را به پاهای مسافرها

هر اربعین با عشق خدمت می‌کند اما
هرگز ندیده کربلا را، آرزویش را
هر کس که می‌پرسد چرا؟ او با سکوتی تلخ
دائم فروخورده فقط بغض گلویش را

او آشنا با هر که دل‌داده است در این راه
اما کسی جز نام از او چیزی نمی‌داند
بعد از غروب اربعین گم می‌شود در دشت
با گریه زیر لب زیارتنامه می‌خواند

از عشق می‌سوزد ولی تا هست شرمنده است
عمری نگاهی رو به پایین، از ادب دارد
تنها دعایش جان سپردن بین مشایه است
مردی که از شمر بن ذی الجوشن نسب دارد





تصنيف روضه (زمزمه)



زمزمه روز عاشورا

◀ مهدی صابری

دریافت فایل صوتی



دم گودالی و، صدا زد دخترت
منو تنها نذار، بمیره خواهرت
چه غوغایی شده، کنار پیکرت
شلوغه قتلگاه، بمیره خواهرت
به سمت مادره، نگاه آخرت
رسیده فاطمه، بمیره خواهرت
خودم دیدم که شمر، رسید بالا سرت
تنت رو می کشید، بمیره خواهرت
سرت رو دامنش، گرفته مادرت
سرت رو می برید، بمیره خواهرت

زمزمه روز عاشورا

◀ مهدی صابری

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

گل خوشبوی من، حسینم کجایی
کجایی برادر، امون از جدایی
صدای نالتو، شنیدم از گودال
بمیره زینب که غریب و تنهایی
حسین واحسینا، حسین واحسینا

◀ بند دوم

رسیده فاطمه، کنار پیکرت
نفس می زدی با، نگاه آخرت
بمیرم که قاتل، رو سینت نشسته
سرت رو بریدن، رو پای مادرت
حسین واحسینا، حسین واحسینا

◀ بند سوم

حسین جان می دیدم، لب پرخونت رو
کشیدن رو خاک، تن بی جونت رو
چرا توی لشکر، پر از هلهله شد
گرفته دستش شمر، سر گلگونت رو
حسین واحسینا، حسین واحسینا

◀ بند چهارم

تو بال و پرت کو، بگو پس تنت کو
بگو جون خواهر، که پیراهنت کو
هم انگشتو بردن، هم انگشترت رو
بمیرم برادر، عقیق یمنت کو
حسین واحسینا، حسین واحسینا

◀ بند پنجم

حرومی‌ها سمتہ، حرم می‌دویدن
حرم شعله‌ور شد، به خیمه رسیدن
تو از روی نیزه، نگاهم می‌کردی
که معجز از روی، سرم می‌کشیدن
حسین واحسینا، حسین واحسینا

زمزمه شب یازدهم

◀ سید محمد رضوی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

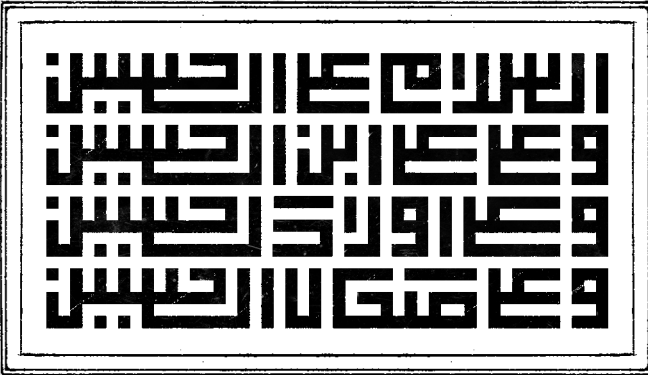
یکی افتاده رو خاک و یکی توو خیمه حیرونه
دلا خونه دلا خونه
یکی پیراهنش پاخورده ی گرگ بیابونه
دلا خونه دلا خونه
رها شدی و بی سایبونی
تنها ستاره توو نگاه آسمونی

◀ بند دوم

پناه آسمونایی ولی توو صحرا جا موندی
کجا موندی کجا موندی
سه روزه بین گرگا توو بیابون خدا موندی
کجا موندی کجا موندی
هنوز می لرزن ارکان عرشی
با تو چیکار کردن سم اسبای وحشی

◀ بند سوم

سر این روضه ی تو گریه ی ما رو در آوردن
سر آوردن سر آوردن
پدر رو بین مجمه روبه روی دختر آوردن
سر آوردن سر آوردن
رو نیزه موندی یا روبه رومی؟
من که چشم تاره دیگه، بگو کدومی؟





نوحه زمينه



زمینه - شب اول

◀ سیدمسعود احمدی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دوای همه دردا

توی روضه آقا

سلام علی المظلوم

شه بی کفن مولا

لطف مادره، که به ما کرده نگاهی

نور مادره، که به ما داده پناهی

اذن مادره، سوی هیئت شدیم راهی

با اذن امیر نجف

زیر بیرق حیدریون

برپا میشه سینه زنی

توی محفل فاطمیون

با گریه و ناله و آه

با یاد لب عطشان

سینه می زنیم می خونیم

به فدای تن عریان

ای وای ای وای من

تشنه مولای من

در خاک و خون خفته آقای من

◀ بند دوم

یه عمریه بی تابم
برا درد اربابم
نگاهی کن ای مولا
فقیرم تو دریا بم

السلام یا، تشنه لب کنار دریا
السلام یا، بی کفن مونده به صحرا
السلام یا، شه بی سر حسین زهرا

عالم زیر پرچم تو
به فدای مُحرم تو
آدم شفاعت شده با
گریه برای غم تو

روضه می خونه مادر
با حیدر و پیغمبر
توی گودی گودال
بدن پسرم پرپر

غرقه توو موج خون
آقای نیمه جون
خونه براش قلب صاحب زمون

◀ بند سوم

شه بی کس و تنها
نداری دیگه سقا
می سوزونه قلبت رو
صدا ناله ی زن ها

بی سپاهی و، برای تو نمونده یاری
بی پناهی و، اکبر و قاسم که نداری
غرق آهی و، حرمو می خوامی به کی بسپاری؟

بمیرم قد تو خمید
شده موهای تو سفید
می سوزی و جون میدی از
این که کار به کجاها کشید!

به آتیش کشیدن حرمو
ندیدن چشای ترمو
مردم برا لحظه ای که
سیلی زدن دخترمو

اشکای عالمین
جاری از هر دو عین
نوحه شده: مظلوم آقام حسین

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

پر کشیده دلای همه عاشقا پی تو
هم صدا می خونن همه ی نوکرا واسه تو
باز ندای غمت پیچید و خون شده دل ما
جان فدای تو و شور کربلایی تو

نوحه همه عالمین شده ناله ی یاحسین
تشنه لب توی نینوا زده دست و پا یاحسین

بی کفن، بی پیوهن، خونین بدن
خشکه لبات
یاغریب، حَدَّ التَّزْيِبِ، شَيْبِ الحَضِيْبِ
جونم فدات

از یه خواهر قد خمیده
به محضر سر بریده
آتیش زدی قلب من رو
بارگ های دریده

رو نیزه ها ماه و ستاره
بارون نم نم می باره
خواهره که جون نداره

◀ بند دوم

باز شنیده همیشه روضه‌ی داغ مشک و علم
آقایی غرق خون، غرق تیر و با دست قلم
امید همه ناامیدا همیشه نقش زمین
غارتِ خیمه‌ها بعد تو همیشه سهم حرم

بی قمر همیشه رنگ آسمون دل ما سیا
می خونن همه بچه‌ها عمو زود به خیمه بیا
ای قمر، درّ و گوهر، خونین جگر، اسمت شفا
ای رشید، کوه امید، قدت خمید، ای باوفا

از برادر زار و خسته
به ماه در خون نشسته
بالاسرت روضه خونه
مادر پهلو شکسته

من بدون تو غرق آهم
تویی تو تنها سپاهم
بدون تو بی پناهم

زمینه شب دوم

◀ گروه نوحوا علی الحسین

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

حال غریب قافله، دل زینب و می لرزونه
سیاهی دشمن داره، بچه ها رو می ترسونه

رقیه فکر می کرد می ریم مهمونی
خودت داداش حال منو می دونی
نذار که برگردم از این سرزمین، با چشمای بارونی

بیا بریم، نداری این جا سپاه
بیا بریم، نمون توو این قتلگاه
بیا بریم، نذار بشم بی پناه

◀ بند دوم

چه کاروان عاشقی، چه امیری و چه سقایی
دارن می خونن توو حرم، برا شیش ماهه لالایی

ببین غم و توی نگاه رباب
نذار بیفته توو دلش اضطراب
خدا نیاره وقتی با دلهره، بگرده دنبال آب

بیا بریم، ببین که دلواپسم
بیا بریم، که بی تو من بی کسم
بیا بریم، تو رو به زهرا قسم

◀ بند سوم

یه آسمون پر غم و، یه زمین پر ستاره
دل زمین و آسمون، برای تو بی‌قراره
چشای آسمون برات گریونه
نذار که داغت به دلم بمونه
اگه یه لحظه پیش تو نباشم، دنیا برام زندونه

بیا بریم، با هم از این بیابون
بیا بریم، نذار بشم پریشون
بیا بریم، نبینمت غرق خون

زمینه شب سوم

◀ مهدی ابراهیمی نژاد - مصطفی معنوی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

نیمه شب اومدی عزیز دلم
نامرتب اومدی عزیز دلم
باباجون کجا بودی این همه مدت
خونین لب اومدی عزیز دلم

بدون تو دنیا برام
مثل جهنمه بابا
گرمای آغوشت کجاست؟
سردمه امشب به خدا

بابا پاشو بگو همش یه خوابه
الهی که خراب بشه خرابه
دوری ازت سخته آخه می دونی
سه سالگی یتیم شدن عذابه

مَنْ ذَا الَّذِي أَيْتَمَّنِي بَابَائِي

◀ بند دوم

چشامو می بینی بارونیه بابا
گریه هام همیشه پنهونیه بابا
سر تو بوی تنور میده باباجون
بمیرم سرت چرا خونیه بابا

زندگیمو ازم گرفت
اونکه سر تورو برید
نمی دونم توو قتلگاه
چرا خجالت نکشید

می بینی مثل مادرت خمیدم
دیگه ازین دنیا بابا بریدم
مثل موهای تو دل منم سوخت
تا که سرت رو روی نیزه دیدم

مَنْ ذَا الَّذِي آيْتَمَنِي بِأَبَائِي

زمینه شب سوم

◀ مهدی صابری

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

بارونه چشم، ویرونه دلم
رفتی و بدون تو پریشونه دلم

از وقتی که رو، نیزه دیدمت
من خونه دلم، خونه دلم، خونه دلم

چی می شد که نری، بابای مهربونم
چی می شد که نری، خورشید آسمونم
چی می شد که نری، بی تو دیگه نیمه جونم

دلم یه عالمه، بابا پر از غمه
همه میگن شدم، شبیه فاطمه

◀ بند دوم

هم زخمه لبام، هم زخمه پاهام
هم خسته شدم بی تو و هم تاره چشم

کشتن منو با، هر زخم زبون
توو کوفه و شام، کوفه و شام، کوفه و شام

تو که رفتی سفر، تو لشگر هلهله شد
تو که رفتی سفر، سهم من سلسله شد
تو که رفتی سفر، همسفرم حرمه شد

دلَم یه ذره شد، برای دیدنت
شنیدم عمّه گفت، رو خاک کشیدنت

◀ بند سوم

یا کنج تنور، یا دخمه سرت
بابا بمیرم خورده چقدر لطمه سرت

خون می چکه باز، رو دامن من
از زخم سرت، زخم سرت، زخم سرت

منو تنها نذار، کنج ویرونه بابا
منو تنها نذار، می ترسم من به خدا
منو تنها نذار، من نمیشم از تو جدا

حالا که اومدی، بابا جون از سفر
یه قول بهم بده، رقیه تم بیر

زمینه شب سوم

◀ امیررضا قناتی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دونه دونه می شمارم زخماتو
دونه دونه می شماری زخمامو
شبیه تو موهام سوخته بابا
دونه دونه می بافیم موهامو

من از دردام میگم برات
تو از دردات بگو برام
من از زجر و سنان میگم
تو از خولی بگو برام

سردرد امونمو برده
پای چشمه خون مرده
دختر مگه توو این سن همیشه افسرده؟

◀ بند دوم

شبی که توی صحرا جا موندم
ستاره‌ها رو داشتم می‌شمردم
عددش از تاول‌هام بیشتر بود
بابا اون شب خیلی غصه خوردم

بابا راستی عموم کجاس
بگو خیلی دلتنگشم
یه ماه میشه ندیدمش
بگو زودتر بیاد پیشم

این جا شبا چقد سرده
پاهام همه ورم کرده
جای تو غم و غصه منو بغل کرده

◀ بند سوم

دو سه باری ماه پیغمبر رو
زیر دست و پای مردم دیدم
با همون دستای بسته بابا
سرتو از راه دور بوسیدم

دیگه وقت سفر شده
بابا میریم توو آسمون
می ترسم از تنها شدن
بابا دیگه پیشم بمون

حالا خرابه شد خونه
قبرم میون ویرونه
عمّه سر مزارم فاتحه می خونه

زمینه شب چهارم

◀ خسرو جولافیان - ابراهیم جولافیان

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

یک روح در دو بدن به میدان
بهر یاری حق چو طوفان
نوه‌های علی، ذوالفقارند
به فنون رزم، چه قهارند

آمده‌اند آبروی مادرو بخزند
آمده‌اند دل و دین ببرند
آمده‌اند که نشان دهند، بر ستم تبرند

قوّت سپاه، لشکر زینب
شور لاقّتی، حیدر زینب
یازینب یازینب

◀ بند دوم

این رزم، رزم علی ست بی نظیر
نعره های علی ست مثل شیر
رهروان زینب، علمدارند
شمس و ماه زینب، سر به دارند

آمده اند بشوند یاور خون خدا
تا بشوند پیش مرگ سیدالشهدا
تا بشوند سپر حسین شاه کرب و بلا

قدرت حسین، پرچم زینب
خشم ابروی، درهم زینب
یازینب یازینب

◀ بند سوم

تیغ بزانند قهرمان
برق صاعقه اند بی امان
وقت جنگیدن، بی هراسند
قرص و محکم، مثل الماسند

میمنه را غرق شور مرتضی کردند
میسرهم خون به پا کردند
معرکه از خیل ناخردان، مُتَقًا کردند

وحی مرتضی، آیهی زینب
خورشید سپاه، سایهی زینب
یازینب یازینب

زمینه شب پنجم

◀ گروه نوحوا علی الحسین 

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

عبداللّهم نیا، تو امانت برادر می
مته اصغر، پاره ی تن خواهر می
بعد از من، خود تو مرد حرمی

نیا که، بارون تیر و نیزه هاس
نیا که، عموت به زیر دست و پاس
نیا تا، نبینی سر از تنم جداس

کار تمومه پسرم، دردمو بیشتر نکن
چند دفعه خم شد کمرم، دردمو بیشتر نکن
داره می سوزه جیگرم، دردمو بیشتر نکن

◀ بند دوم

گودال قتلگاه، پر خاکه و پر از خونه
توو خیمه، یه نوجوون پریشونه
توو فکرة، رسیدن به عموجونه

نخواه که، آروم باشم توو خیمه‌ها
ببینم، گرفتاری توو نیزه‌ها
می‌میرم، ببینم می‌زنی دست و پا

دویدم از توی حرم، پیام بشم جون فدات
این در و اون در می‌زنم، تا آب بیارم برات
می‌خوام فدای تو بشم، توو آخرین لحظه‌ها

◀ بند سوم

دیدم تنها شده و، دیگه یاری نمونده براش
آروم آروم، به شماره افتاد نفساش
بسته شده، با خاک و خون راه صداش

رهاش کن، رمق نداره بدنش
رهاش کن، هزار تا زخمه رو تنش
رهاش کن، چی می‌خوای از پی‌رهنش

این که دیگه جون نداره، لگد به پهلوش نزن
مادرش این جاست می‌بینه، پنجه به گیسوش نزن
خواهرش از غم می‌میره، نیزه به بازوش نزن

زمینه شب پنجم

◀ مهدی صابری

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

جاریه سیل اشکم

مثل ابر بهاری

دیگه وقت غروبه

سخته چشم انتظاری

ای عمو جون

من بمیرم شکسته جبینت

کشته من رو

فکر فریاد هَل مِن مُعینت

شمر و خولی

دور گودالن و در کمینت

ای رویای زیبای من

ذکر روز و شب های من

تو مولایی و سرور و

بابای من

◀ بند دوم

گرد و خاکه توو میدون
عمّه جون بی قرارم
تو توو خیمه بمون تا
من عمو رو بیارم

ای عمو جون
توو حرم بچه‌ها چشم به راهن
بعد سقا
تشنه و بی کس و بی پناهن
پاشو برگرد
دشمن‌راهی خیمه‌گاهن

من آخرین سربازتم
بال و پر پروازتم
توو قتلگاهت آخرین
جانبا‌زتم

◀ بند سوم

تکیه دادی به نیزه
قلب من شد پریشون
بی حیاها گرفتن
دورتو ای عمو جون

ای عمو جون
بردن انگشت و انگشترت رو
روی خاکا
می کشن هر طرف پیکرت رو
نیزه دارا
میزنن روی نیزه سرت رو

من با تو هستم هر کجا
توو مدینه یا کربلا
حتی اگه سرم بره
رونیزه ها

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

به روی مرکب نشسته قاسم
دلیر خیمه به رزم عازم
مبهوت و مات حسن همه بنی هاشم
رو به عدو سینه سپر
کوه شکوه قرص قمر
خلع سلاح لشکر با
طرز نگاه چشماشه
کشته شدن توو راه عشق
رؤیاشه (۲)
عمو حسین (۲)
من نامه آوردم خودمو فدا کنم
عمو حسین (۲)
میشه مگه من عزیزمو رها کنم
عمو حسین (۲)
چه جوری خودم رو از شما جدا کنم

◀ بند دوم

یه نامه آورد به خط باباش
غریب مادر سلام داداش
می‌گیره جونشو قاسم به کف دستاش
حرف غری ... بی ... رو نزن
پیش توایم قاسم و من
باید بره توی میدون
تا هر جایی که میشه
حتی اگه گل‌گونه‌ش
خاکی شه (۲)
داداش حسین (۲)
دست رد به سینه‌ی عزیز من نزن
داداش حسین (۲)
بگذار فدای تو بشه چون حسن
داداش حسین (۲)
پیشش بمون موقع دست و پا زدن

◀ بند سوم

بستر خاکه حجله‌ی داماد
این گل تشنه گلاب هم داد
مثل برگای خزون توو دست باد افتاد
وا شده سر پیش عمو
بسته شده راه گلو
بوی گلابشو اسبش
آورده تا حرم با خود
داداش دیدی گلِ گونه‌ش
خاکی شد (۲)
جان عمو (۲)
شد قد تو رعنا توو یه چشم به هم زدن
جان عمو (۲)
اجزای تنت جلو چشم جدا میشن
جان عمو (۲)
پیشست می مونم ولی دست و پا نزن

زمینه شب ششم

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

آماده‌ی رزم، از خیمه اومدی
الهی فدات بشم، چقد، شبیه حسن شدی

اصن قد و بالات، حسن / ماه رعنات، حسن
چشم زیبات، حسن / یا حسن حسن حسن

مسیر وصال ما حسن است
و اذن جهاد با حسن است
برو ای صنوبر حسنم
که سلطان کربلا حسن است

◀ بند دوم

سیزده بهار، هر فصل بودنت
الهی خزون نشه، عمو، دوماد شی بینمت

تویی ذوالفقار، حسن / اقتدار، حسن
دل به دریا، بزن / با حسن حسن حسن

کبوتر توو آشیانه حسن
به لب ذکر عاشقانه حسن
ز آیات سبز خنده‌ی تو
زده نزد من جوانه حسن

◀ بند سوم

قسمت نشد تا، زره تن کنی بری
چقد زود بزرگ شدی، دیگه، هم قَدِّ اکبری

شده مثل خاک و، عسل / روی خاکا، تنت
نعل اسبا، چقد / بردن و آوردنت

دل نجمه آب شد چه کنم
تنت آسیاب شد چه کنم
شکست استخوان سینه‌ی تو
گل من گلاب شد چه کنم

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

خورشید داره نوحه می خونه با دلی پر خون
مادر داره گریه میکنه شبیه بارون
مهتاب روی دستای باباش راهی میدون

با ذکر یاعلی مدد، به قتلگاه ... اصغر اومده
نگاه نکن به قامتش، برادر ... اکبر اومده
عجب شکوه و هیبتی، سُلاله ی ... حیدر اومده

والایی

تو صاحب دل هایی
قربون قدّ و بالات
کوچکترین آقایی

◀ بند دوم

بستن سر بچه‌ی منو به روی نيزه
دعوايي شده سر سرش دلم مي لرزه
آخه يه سر کوچيك مگه چقدر مي ارزه؟

طاقت نداره مادرت ببينه سر از تنت جداست
سرت توو اوج آسمون رو نيزه‌ها، پس تنت كجاست؟
شاید تنت مٲ بابات به روی خاك زیر دست و پاست

لالايي
دردونه‌ي بابايي
من روی خاك اٲا تو
رو نيزه اون بالايي

زمینه شب هفتم

گروه نوحوا علی الحسین

دریافت فایل صوتی



بند اول

لا لا لا، لا لا، ای نوهی کوثر
لا لا لا، لا لا، قاصدک پرپر
لا لا لا، لا لا، دورت بگردم، قشنگ مادر

شیرین شیرینم بالام، داغت نبینم بالام
دردت به جونم
پیشت می شینم بالام، تشنه ترینم بالام
دردت به جونم

عموت رفته آب بیاره، از لب دریا
عموت بره آب می یاره، حتی از تریا
حضرت سقا

◀ بند دوم

لا لا لا لا، لا لا، شیرخواری مضطر
لا لا لا لا، لا لا، گرمت شده مادر
لا لا لا لا، لا لا، تو اسماعیلی، من مثلِ هاجر

قحطی آبه این جا، پُر از سرابه این جا
بیچاره ام من
چشمات بی خوابه این جا، حالم خرابه این جا
بیچاره ام من

پات و نکش رو دستِ من، پاهات می سوزه
آفتاب به پلکات نخوره، پلکات می سوزه
چشمات می سوزه

◀ بند سوم

لا لا لا لا، لا لا، کاشکی خواب ببینی
لا لا لا لا، لا لا، خوابِ آب ببینی
لا لا لا لا، لا لا، نبینم این جور، عذاب ببینی

رنگت پریده ای وای، چشات ترسیده ای وای
بمیره مادر
لبات خشکیده ای وای، به هم چسبیده ای وای
بمیره مادر

عموت از دریا برنگشت، روزم سیاهه
برو فدا شو که بابات، بی پشت و پناهه
عمرت کوتاهه

زمینه شب هفتم

◀ مهدی صابری

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

حصیر گرم گهواره
به نرمی در برت داره
بمیره مادرت عمرم
که چشمت خواب و بیداره

نگاهت منو بیچاره کرده
بخواب مادرت دورت بگرده
عمو گفته با مشک پر از آب
برمی گرده ... برمی گرده

لالا لالا لالایی
بخواب عزیزم لالا
عمو ابا فضل دیگه
توو راه خیمه است حالا

◀ بند دوم

کنار علقمه غوغاست
دیگه بابا تک و تنهاست
میون لشکر دشمن
سر مشک عمو دعواست

حرم خسته و دل بی قراره
نرو مادرت طاقت نداره
تو میری و بی تو روزگارم
تاره تاره ... تاره تاره

بخواب عزیزم حالا
که وقت بی خوابی نیست
میون میدون مادر
برای تو آبی نیست

◀ بند سوم

هوای خیمه بارونه
لبای تو پر از خونه
سرت رو هر کسی دیده
برا من روضه می خونه

کنار عمو رو نی نشستی
چرا چشمای نازت رو بست
بمیرم برای تو هنوزم
تشنه هستی ... تشنه هستی

حرمله داره مادر
به حال من می خنده
سر تورو رو نیزه
جلو چشم می بنده

زمینه شب هشتم

◀ سید محمد رضوی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

بریده صدا فشرده گلو
بابا با خون صورتت گرفته وضو
قد کمونی شدم آهای کمون ابرو
لاله‌ی واژگونم صدام بزن جوونم
ببین وضو گرفتم منتظر اذونم
غزال سرمستم تا زخماشو می‌بستم رفت
حرم که تنها شد هیچ بچم از دستم رفت

◀ بند دوم

زمین زدنت چشای حسود
با صورت اومدم به پهلوی تو فرود
کاش داداشم حسن الان کنارم بود
به برکت وجودت گل داده کل صحرا
پهلوت و که می‌بینم شدی شبیه زهرا
جوون رعنا‌ی من عالمو رسوا کرد رفت
دنبال آسمون بود خونه شو پیدا کرد رفت

◀ بند سوم

یکی برسه به داد حسین
این تن رو جمع کنید تا چون نداده حسین
اومد تصویر کوچه باز به یاد حسین
مقتل تو علی جان اشکارو در میاره
کاش عمو از خیمه‌ها میاد عبا بیاره
ورق زدم لُهوف و تن تو ارباباً اریاست
غرق میشم می میرم روضه‌ی تو یه دریاست

زمینه شب هشتم

◀ مهدی صابری

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

آروم آروم ای نور چشمو نم
از حرم میری
تو گریون و من گریونم
من گریونم

دلشوره دارم بابا
دست و پاهام می لرزه
بعد تو دیگه دنیا
باباجون نمی ارزه

نرو تموم برگ و برم
نرو ببین شسکته پرم
نرو بمون حرم پسرم

◀ بند دوم

حاصل عمر و جون بابایی
توی این صحرا
من مجنون و تو لیلیایی
تو لیلیایی

آشوبه خیمه بی تو
اهل حرم پریشون
عمّه‌ها دنبال تو
اومدن توی میدون

چه آتیشی به خیمه زدی
تو دیگه بی حد و عددی
منو صدا بزن ولدی

◀ بند سوم

هر طرف میرم هستی ای بابا
لاله زاره دشت
پیکرت شد ارباً اربا
ارباً اربا

من بمیرم که بابا
غرق خون می بینمت
با همین دستام تنها
توو عبا می چینمت

پاشو موذن حرمم
پاشو ببین که خون جیگرم
پاشو باهم بریم پسرم

زمینه شب هشتم

◀ امیررضا قناتی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

آروم آروم صبح سپیده داره میره از صحرا
می‌رسه با کوله ای از غم ظهر روز عاشورا

می‌پیچه توو میدون

با نوای

گل لیلا ... حالا

أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا حُجَّتُ اللَّهِ

وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ

ماشاءالله

ماشاءالله

صدای علی اکبر / وقتی که میره بالا

می‌بره دل زینب / می‌بره دل بابا

کبیراً کبیراً

والحمد لله

بُكْرَةً وَ أَصِيلاً

الله اکبر (۲)

مولانا علی اکبر (۳) مولا علی اکبر

◀ بند دوم

بوسه سنگین زره می شینه به قد و بالاش
بارون چشمای رقیّه می باره پشت پاهش

می بره حظ زینب
تا می بینه
آقازاده داداش
با رجز علوی می زنه توی قلب سپاه مته باباش
میگه قربون قد و بالاش
جون عمّه
نذر چشماش

میره توو دل میدون / مته حضرت حیدر
داره میگه رقیّه / مرحبا علی اکبر

دشمن کشته ی تیغ
شمشیر علی اکبر
خواهر کشته ی تیغ
ابروی برادر

مولانا علی اکبر (۳) مولا علی اکبر

◀ بند سوم

پر جبرائیله روو چشمای نبی تا که نبینه
نفسای آخری که میاد و میره توو سینه

کشتی این عالم
با زانو
توی گل می شینه
قطعه به قطعه ی پیکر اکبرشو روو زمین تا می بینه
باز میوفته یاد مدینه
یاد زخم
روی سینه

دونه دونه ی اعضاش / وسط میدونه
با نوای زخمی / بابا داره می خونه

پاشو عمّه رسیده
با نفسای بریده
پاشو تا که لشکر
زینب رو ندیده

مولانا علی اکبر (۳) مولا علی اکبر

زمینه شب هشتم

◀ گروه نوحوا علی الحسین

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

تشنگیت کشته دریارو، علی جانم
می شکنه قلب لیلارو، علی جانم
عاقبت کشتی بابارو، علی جانم علی جانم

چی کار کنم با بدنت، بیچارم
با پاره پاره‌ی تنت، بیچارم
حالا عمام شد کفنت، بیچارم بیچارم

پاشو سرو رشیدم، ای امیدم، نور دیدم
زمین خوردی و دیدم، ای شهیدم، نور دیدم

◀ بند دوم

بی تو من پیر این دشتم، علی جانم
کاش بی تو بر نمی گشتم، علی جانم
تو شدی بختِ برگشتم، علی جانم علی جانم

تو ارباً اربا و منم، آوارم
بعد تو پاره‌ی تنم، آوارم
بالا سرت داد می‌زنم، آوارم آوارم

برات ناله کشیدم، تا رسیدم، نور دیدم
زمین خوردی و دیدم، ای شهیدم، نور دیدم

◀ بند سوم

پیش من کوفه می‌خندید، علی جانم
شمر کلاه خودتو دزدید، علی جانم
حرمله دور تو رقصید، علی جانم علی جانم

موذّنم کو دهنّت، واویلا
رو نیزه مونده بدنّت، واویلا
سفره‌ی خیرات تنت، واویلا

کنار تو بریدم، مو سفیدم، نور دیدم
زمین خوردی و دیدم، ای شهیدم، نور دیدم

زمینه شب تاسوعا

گروه نوحوا علی الحسین

دریافت فایل صوتی



بند اول

ای که هستی همه باور من، یا اباالفضل یا اباالفضل
عشق تو تا ابد در سر من، یا اباالفضل یا اباالفضل
ای آقا جانم، ای آقا جانم

ای قرار دل بی قراران
سرخ لاله لاله زاران
پهلوان تمامی دوران

ای پناه همه بی پناهان
ای امید همه رو سیاهان
پادشاه همه پادشاهان

نام تو تا ابد جاودان است
یا اباالفضل سر هر زبان است

◀ بند دوم

ای قنوت تمنای باران، یا اباالفضل یا اباالفضل
قدرت موج دریا و طوفان، یا اباالفضل یا اباالفضل
ای آقا جانم، ای آقا جانم

چشم تو یک تنه یک سپاه است
تا تو هستی حرم در پناه است
بودنت بهترین تکیه گاه است

بعد تو کار خیمه تمام است
این حرم بی تو بی احترام است
دور اهل حرم ازدحام است

تو سرت خم نشد پیش دریا
مانده ای پای اولاد زهرا

◀ بند سوم

رفتی و قلب زینب کباب است، یا اباالفضل یا اباالفضل
شرم تو از عزیز رباب است، یا اباالفضل یا اباالفضل
رفتی و شد حرم بی سپهدار

اهل خیمه شدن بی کس و کار
علقمه، فاطمه شد عزادار
بعد تو خواهرت شد علمدار

زینب تو کجا، کوچه بازار
وای از آن مجلس شوم اغیار
اشک تو راه صحرا گرفته
علقمه بوی زهرا گرفته

◀ بند چهارم

تو به خلق دو عالم پناهی، یا اباالفضل یا اباالفضل
جان مولا مرا کن نگاهی، یا اباالفضل یا اباالفضل
ای آقا جانم، ای آقا جانم

دل سپردم به عشق تو آقا
زندگی با تو می‌گیره معنا
هر که مست تو شد، شد مسیحا

ذکر تو داروی درد عالم
شعله‌ی روضه‌های محرم
دست‌مان را گرفتی دمادم

ارمنی‌ها مرید تو هستن
نوکر زرخرید تو هستن

زمینه شب عاشورا

◀ گروه نوحوا علی الحسین

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

چشمام خیره به صحرا
هستم توو فکر فردا
مادر بیا کنارم، یا زهرا

مادر ببین که، دلشوره دارم
دوری شو اصلاً، باور ندارم

داره میگه فردا روز آخره
میگه زینب دیگه بی برادره
داره میگه فردا ما اسیر می شیم
گلوی خودش زیر خنجره

ای وای حسینم (۴)

◀ بند دوم

واسه حال ما دوتّا
گریونه چشم سقا
مادر بیا کنارم، یا زهرا

یادش بخیر اون، روزای آروم
کاشکی داداشم، بمونه پهلوم

اگه بره به خدا بی پناهم
بدون حسینم، بی تکیه گاهم
دلشو ندارم مادر ببینم
بالای سرش، توو قتلگاهم

ای وای حسینم (۴)

◀ بند سوم

وای از غروب فردا
وقت شیون زن ها
مادر بیا کنارم، یا زهرا

وقت وداعش، من میرم از حال
مادر کنارش، بمون توو گودال

جلوی چشات سرش و می بُرن
می برن به روی نیزه می زنن
بدنش سه روز می مونه رو زمین
همون تنی که همیشه کفن

ای وای حسینم (۴)

زمینه روز عاشورا

◀ سیدمسعود احمدی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

شه تشنه

میری از حال

لبات گلگون

توی گودال

سرت زخمی

تنت پامال

غرق خون، نیمه جون

مضطرب توی گودالی

روضه خون، صاحب زمون

تشنه لب، بی پر و بالی

هجوم خیل عدو رو سمت خیمه ... چه کنم؟

هزار و نهصد و پنجاه زخم و نیزه ... چه کنم؟

دل نگران سه سالم من با دشنه ... چه کنم؟

چه کنم چه کنم شده کار حسین

نمی دونه کسی حال زار حسین

دیگه تاب و توونی نداره حسین

◀ بند دوم

می خونی با
لب خونی

اینه رسم
مسلمونی؟

می خوای پاشی
نمی تونی

خیمه گاه، بی پناه
خواهرت ابر بارونه

قتلگاه، غرق آه
مادرت روضه می خونه

چی اومده به سر تو مادر؟ ای وای ... پسرم
شکسته بال و پر تو مادر ای وای ... پسرم
انگشت و انگشتر تو مادر ای وای ... پسرم

پسرم پسرم میگه مادر تو
داره می بینه سرخی حنجر تو
قاتلت که رسیده بالا سر تو



نوحه واحد



واحد مناسب تمام دهه محرم

◀ سید محمد رضوی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دستامون بازم
مته قطره‌ی بارون
به مشبک دل‌ها
می خوره تا ضریح
حرمت باشه
من می خوام امسال
توی ماه محرم
همه حس و حواسم
به دم و غم و شور و
علمت باشه
ای عشق
اول و آخر حسین / حضرت دلبر حسین
ای دومین آیه‌ی / سوره‌ی کوثر حسین
درمون و
دوای درد عاشقا
یا مَنْ اِسْمه دَوا
یا مَنْ ذِکره شفا
ای جانم جانم ابی عبدالله

◀ بند دوم

رقص اسفند
روی شعله‌ی عشقت
دم مطرب شورت
منو از غم عالم
کرده غافل
أحسن الحالم
اینه که پریشونی
بیارم با خودم تا
بشه کاشفِ کَریم
ابوفاضل
ای نور
کتیبه غم قمر / مه محرم قمر
صفا می‌گیره دلم / با ذکر جانم قمر
الدخیل
ای آقای نَشأتین
یا مَقطوعَ الکَفّین
کاشفِ کرب الحسین
ای جانم جانم یا ابوفاضل

واحد شب دوم

◀ مهدی صابری

ای ساریبان آهسته ران، در دشت سوزانم، من شاه خوبانم
گشته عیان کرب وبلا، در پیش چشمانم، من شاه خوبانم

بهر غمم خیل ملک، با آه و با زاری، گرم عزاداری
بر سینه می‌کوبد فلک، شد عید قربانم، من شاه خوبانم

همراه من یک کاروان، آلاله و ریحان، صد حیف ازین بستان
بوی جدایی می‌رسد، شد فصل خزانم، من شاه خوبانم

با قاسم و با جعفر و عون و علی اکبر، شش ماهه ام اصغر
همراه زینب خواهرم، در این بیابانم، من شاه خوبانم

با دیدن کرب وبلا، گردیده جان بر لب، وای از دل زینب
یاد دمی که راهی‌ام، با لب عطشانم، من شاه خوبانم

عصر دهم در قتلگه، تنهای تنهایم، دلتنگ سقایم
آماج تیر و نیزه و صد تیغ بُزانم، من شاه خوبانم

آن دم که بنشیند دگر، بر سینه شمر دون، با خنجر پر خون
گویم به ناله زیر لب، کو ماه تابانم، سقّای طفلانم

«ای ساقی لب تشنگان، ای جان جانانم، سقّای طفلانم
داغت شکسته پشت من، ای راحت جانم، سقّای طفلانم»

دریافت فایل صوتی



واحد شب دوم

◀ مهدی صابری

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

شام طلوع ماه عشقه
یک قافله از دور پیداست
از راه اربابم رسیده
توی عالم چه شوری بریاست

ای اهل عالم، حسین زهرا
با اهل بیتش، شد کربلایی
می خونه مادر، با آه و زاری
چه کربلایی، چه نینوایی

کوچه کوچه پر از سیاهی شد
غرق ماتم عرش الهی شد
دلها با غم دوباره راهی شد

◀ بند دوم

پرچم به دست مردِ مرداس
اونکه یل تموم دنیاس
رو بیرقش خدا نوشته
رَفَعَ اللهُ رَايَتَ الْعَبَّاسِ

شد خیمه‌ی شاه، برپا به دست
ماه عشیره، میون صحرا
به زیر لب‌هاش، خواهر می‌خونه
و إن یکادوا، برای سقا

دریا دریا میون دستاته
آب اما توو حسرت لب‌هاته
زینب محو جمال زیباته

◀ بند سوم

سرسلسله جنبان این عشق
دخت امیر العالمینه
سنگ صبور اهل بیت و
ضربان قلب حسینه

از محمل اومد، تا خیمه‌ی شاه
میگه عزیزم، برگرد از اینجا
می ترسم عمرم، بی تو بمونم
توو این بیابون، تنهای تنها

خیمه خیمه دعای بارونه
چشم زینب دوباره گریونه
فکر گوداله و پریشونه

واحد شب سوم

◀ مهدی صابری

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

پشت دروازه‌ی ساعات
مونده‌ام چشم به راهت
حسرت دخترت این شد
که بیوسه رخ ماهت

دل منو شکستی و رفتی اّما
دلم برای دیدنت تنگه بابا
قرار نبود بری سفر تنها تنها

کاش می‌شد، که تو مشکلامو حل کنی
کاش می‌شد، که به خواهشتم عمل کنی
کاش می‌شد، که بیای منو بغل کنی

◀ بند دوم

بی تو روزا پره درده
نیزه بارونه شبامون
یه شبی من تک و تنها
گم شدم توی بیابون

نگم برات که چی کشیدم توو صحرا
سرت رو روی نیزه‌ها دیدم هرجا
می‌گفتم عمه جون بین بابا بابا

دلتنگم، برا خنده‌های بچه‌ها
دلتنگم، برای عمو و خیمه‌ها
دلتنگم، بابا جون بیا بیا بیا

◀ بند سوم

دختر تو جگرش سوخت
معجر و موی سرش سوخت
عمه جون نشنوه بابا
همه‌ی بال و پرش سوخت

یادت میاد که شونه کردی موهامو
دلت نمی‌اومد ببینی اشکامو
حالا کجایی که ببینی زخم‌امو

باباجون، می‌دونم همیشه باورت
باباجون، پره خاره پای دخترت
باباجون، تو بگو چی اومده سرت

واحد شب چهارم

◀ سجاد توکلی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

تموم زندگی‌م و آوردم فدات کنم برادر
بذار برن به میدون قسم به جون مادر
بذار که رو سفید شم نذار که نا امید شم
می‌خوام منم شبیه لیلا مادر شهید شم

عزم میدون کردن
چشام و بارون کردن
واسه‌ی فدا شدن
ترک سر و جون کردن

عاشقن و به تو دل داده
برا فدایی شدن آماده
رولب‌هاشون ذکرعلی دارن
پرورده‌ی دست علمدارن

أمیری حُسن و نَعَمَ الأمیر

◀ بند دوم

زره نبود براشون بپوشن دوتا کفن آوردن
برای آخرین بار دل حرم رو بردن
داره دعا می‌خونه زینب با چشم گریون
هر دو شبیه بچه شیر زدن به قلب میدون

عشق و معنا کردن
الحق که غوغا کردن
یاد جنگ علی رو
دوباره احیا کردن

وقتی شدن غرق خاک و خون
زینب نیومد از حرم بیرون
هرچی دارم به فدای تو
بچم فدای بچه‌های تو

امیری حسین و نعم الامیر

واحد شب تاسوعا

◀ منصوره محمدی مزینان

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

یاد از آن روزی که حیدر با سرِ خونین
بس وصیت با من و تو گفته در بالین
داد با دستان تو درد مرا تسکین

ای تکیه گاه من / پشت و پناهم عبّاس

◀ بند دوم

یاد داری ای برادر جان که در آنجا
تکیه تو بر شانه ام دادی سر خود را
دست در آغوش هم گفتیم و یا زهرا

بس درد و دل کردیم / ای مهر و ماهم عبّاس

◀ بند سوم

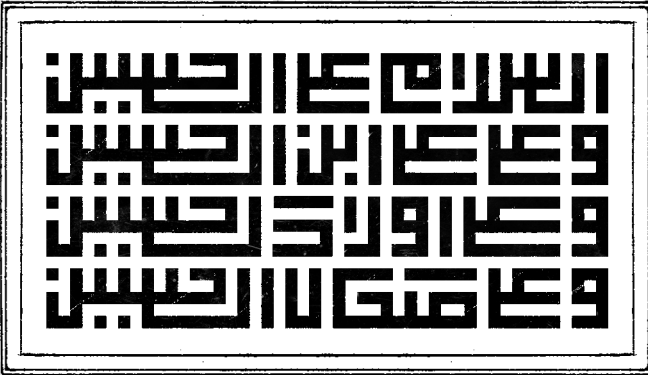
حاليا در علقمه بی تو گرفتارم
قامتم بشکسته، خون از دیده می بارم
بس که افتاده گره ها بی تو در کارم

برخیز و از جاییت / میر سپاهم عبّاس

◀ بند چهارم

ماه من بر دامن دریا که افتادی
آه... با یاد رقیه تشنه جان دادی
بعد تو دیگر نباشد بر من امدادی

آتش گرفته عالم / از سوز آهم عباس





نوحه شور



شور مناسب تمام دهه محرم

◀ گروه نوحوا علی الحسین 

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

هلال نو دمیده، ولی رنگش پریده
خبر میده به عالم، که مُحَرَّم رسیده
یه حرفایی شنیده، که قَدِّشَم خمیده
حرف لبای تشنه اس، حرف سر بریده
هلال گریه می کنه، ملک ناله می زنه
زمین مویه می کنه، فلک ناله می زنه

◀ بند دوم

نوکر سینه سوخته، پیرن سیاشو دوخته
بازم برای روضه، آبروشو فروخته
حسینو تا شِنُفته، فدات بشم رو گفته
اشکاش میاد تا چشمش، به پرچما میفته
عجب روزگاریه، دلا غم داره فقط
بازم شعر محتشم، ما رو کشته خط به خط

◀ بند سوم

به آرزوم رسیدم، تا روضه پر کشیدم
ممنونتم که ماه، محرمت رو دیدم

بازم توو این مسیرم، برات عزا می گیرم
یه کاری کن که شام، غریبونت بمیرم

عذاب دوری از توئه، فراق تا به کی آقا
بیا با خودت ببر، منو تا به کربلا

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ سید محمد رضوی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

مشغول دنیا بودم

تنهای تنها بودم

رها بودم توو فکر

غم‌های فردا بودم

تا این که رسید به نور امید

آی بی کسای عالم جا نمونین سفینه رسید

با یه قدم کوتاه می‌تونی بشی همراه

اینه ابی عبدالله (۲)

سفینه النّجاه

حسین تنها پناه

فقط مونده یه راه

ابا عبدالله

◀ بند دوم

غما رو راهی کردی
تو آقایی کردی
ممت گذاشتی، ما رو
تو کربلایی کردی
ما دیده شدیم با نور حسین
حلاوت این دنیا به ما رسید با شور حسین
حتی باشه صد تا در به تو می رسم آخر
چی می خوام از این بهتر (۲)
شدم خلع سلاح
به اون چشم سیاه
توو مهمونی شاه
اباعبدالله

◀ بند سوم

صفا باشه نور باشه
چشم حسود کور باشه
از روضه‌ی رضوان
آقام بلا دور باشه
بهبشت خداست بساط عزا
دخیل این پرچمهان حور و ملک تا روز جزا
تو بیا فقط با دل دیگه تو رو تا ساحل
میبره ابوفاضل (۲)
از اربابت بخواه
فقط با یک نگاه
بشی تا روبراه
اباعبدالله

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ گروه نوحوا علی الحسین

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

قمر هاشمیون، یا ابوفاضل
سپرزینبیون، یا ابوفاضل
علم فاطمیون، یا ابوفاضل
جنم حیدریون، یا ابوفاضل

علمدار، سپهدار، ابالفصل یا ابالفصل
جهانگیر، جهاندار، ابالفصل یا ابالفصل
توسرو، رشید، حسینی، یا ابالفصل
سردار، وفادار، ابالفصل یا ابالفصل

◀ بند دوم

ماه کهکشون عشق، یا ابوفاضل
نجم آسمون عشق، یا ابوفاضل
ساقی مجنون عشق، یا ابوفاضل
نغمه موزون عشق، یا ابوفاضل

نافذُ البصیره، ابالفصل یا ابالفصل
عموی عشیره، ابالفصل یا ابالفصل
جان فدای حسین و حرم، یا ابالفصل
به دلها امیره، ابالفصل یا ابالفصل

◀ بند سوم

صنم خداپرست، یا ابوفاضل
توو دلا مهرت نشست، یا ابوفاضل
قلبامون برات شکست، یا ابوفاضل
افتادی بدون دست، یا ابوفاضل

حسرت، شهیدان، اباالفضل یا اباالفضل
سفیر، آسمان، اباالفضل یا اباالفضل
عموی، قشنگ رقیه، یا اباالفضل
دلبرعرشیان، اباالفضل یا اباالفضل

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ علیرضا میرزایی گوهر

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

گریه‌ی برای حسین، اوج کمال اشکه
روی سینه‌ی نوکرات، همیشه مدال اشکه
وقت مردنم رو کفن، جای دستمال اشکه

این گریه نامومه
این گریه آبرومه
حدیثه به صورت گریه‌کنا
آتیشه جهنم حرومه

فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الدُّنُوبَ الْعِظَامَ
گناهای من رو پاک کرد اشک میون چشم

◀ بند دوم

همین سینه‌ی کبود و، این دل بی‌قرارم
باید که یه کاری کنه، موقع احتضارم
بیای با علی اکبرت، سر روی پات بذارم

کاش دستاتو بگیرم
یا ایها الامیرم
خیلی دوس دارم شبیه خودت
با لبای تشنه بمیرم

هیچ کسی شبیه حسین
غصه‌ی منو نخورده
بوی سیب توو ضریحت
منو تا حرم آورده

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ علیرضا میرزایی گوهر

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

خونه خراب غمتم
از اولش نوکرتم
با گریه هام همیشه من
زائر بالاسرتم

آقا حسینه مولا حسینه
محشر میگن رهانش کنید این با حسینه
بعد از تسبیحات ذکرم یا حسینه
آقا حسینه

قلب سنگ و دُر می کنه
دست ما رو پر می کنه
توو بهشته هر کسی که
حرمو تصوّر می کنه

◀ بند دوم

اسمی به جز اسم حسین
ورد زبون تو نبود
مثل رقیه هیچ کسی
وصله ی جون تو نبود

سقا ابا الفضل دریا ابا الفضل
ای پرچمت تا به ابد بالا ابا الفضل
دل گرمی زینب سلام الله ابا الفضل
دریا ابا الفضل

غبطه می خورن قیامت
دونه دونه ی شهیدا
به جاه و مقامت آقا
یا ساقی العطاشا

نشانی‌ها

نشانی فایل کتاب صحیفه عاشورا (۲)



نشانی فایل کتاب صحیفه عاشورا (۱)



نشانی کتاب صحیفه عاشورا (۳)



نشانی کتاب سیراب



نشانی صفحات مجازی
صحیفه عاشورا



نشانی صفحات مجازی
حلقه ادبی ریان



سفارش کتاب



نشانی صفحات مجازی آستان
مقدس امامزاده اسماعیل



